



## تأثیر حسابداری زیست محیطی بر شاخص‌های مالی و عملیاتی شرکت‌های تولیدی

فرزانه حیدرپور<sup>۱</sup>  
محمد قرنی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۲۴

### چکیده

همگام با رشد اقتصادی، فشار بر سیستم‌های طبیعی و منابع کره زمین شدت می‌گیرد. واقعیت تأسف بار این است که اقتصاد به رشد خود ادامه می‌دهد، اما محیط زیست که اقتصاد به آن وابسته است رشد نمی‌کند. هدف از این پژوهش، بررسی تأثیر حسابداری محیط زیست بر شاخص‌های مالی و عملیاتی و تعیین جایگاه حسابداری می‌باشد. در این پژوهش از آزمون t - استیودنت در راستای تایید یا عدم تایید فرضیات به کار گرفته شده است. از آزمون فریدمن برای بررسی میزان تأثیر گذاری و تعیین میزان رتبه تأثیر هر عامل استفاده گردیده است. از آزمون t جفتی برای بررسی سطح مورد انتظار با سطح واقعی استفاده گردیده است. نتایج نشان دهنده تأثیر حسابداری محیط زیست بر شاخص‌های مالی و عملیاتی شرکت‌ها شامل میزان تولید شرکت‌های تولیدی، میزان کاهش تولید ضایعات، کمک‌های بلاعوض فنی بیرون از سازمان به شرکت‌های تولیدی، نوع کالاهای تولید شده و نسبت بدهی خدمات (بازپرداخت اصل و فرع بدهی‌های بلند مدت) به کل بدهی‌های شرکت‌های تولیدی می‌باشد.

**واژه‌های کلیدی:** حسابداری زیست محیطی، شاخص‌های مالی، شاخص‌های عملیاتی.

۱- دانشیار، گروه آموزشی حسابداری، واحدتهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، نویسنده اصلی و مسئول مکاتبات.  
fheidarpour@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد حسابداری، گروه حسابداری، واحدتهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

## ۱- مقدمه

سختی کار به عقیده پلاگنر<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) در ترکیب علوم طبیعی و علوم اجتماعی برای بیان ارتباط بین سیستم های موجود در جهان می باشد. همانند بحثی که در حال حاضر جهان با آن رو به رو است و آن گرم شدن کره زمین می باشد. به گفته محققان علت اصلی آن انتشار گازهای گلخانه ای می باشد؛ کشور های در حال توسعه و چین بر مبنای علوم اجتماعی و اقتصادی به پیشرفت اقتصادی کشورهای خود به هر وسیله ای تاکید دارند ولی دانشمندان محیط زیست بر مبنای علوم طبیعی به مسائل زیست محیطی ناشی از این امر تاکید می کنند که همان گرم شدن کره زمین با انتشار گازهای گلخانه ای تولید شده در کارخانه های تولیدی است.

امید است با نتایج این پژوهش (بررسی تأثیر حسابداری محیط زیست بر شاخص های عملیاتی و مالی شرکت) بین رشد مالی و افزایش معیار های زیست محیطی ارتباط منطقی ایجاد کرده و به شرکت ها کمک کند از روش هایی استفاده کنند که در کنار رشد به مسائل زیست محیطی توجه شود.

دنیای صنعتی طبق نظر اندرسون و ولف<sup>۲</sup> (۱۹۹۶) شامل ۳ قسمت اصلی تولید کنندگان، مصرف کنندگان و دولت است که همه این اجزا مسئول بوده و از طرق مختلف روی جامعه و محیط زیست اثر می گذارند و خود می توانند به صورت جداگانه موضوع پژوهش قرار گیرند. ولی در این پژوهش، تمرکز روی حسابداری در واحدهای تولید کننده و تامین تصمیمات بهتر در راستای بهبود عملکرد محیطی شرکت ها می باشد.

راهبرد مورد بحث در این پژوهش به تهدیدات و تغییرات آینده توجه دارد که می تواند هزینه های جدید و بیشتری را برای بنگاه اقتصادی ایجاد کند. راهبرد عملیاتی به کار گرفته شده به هزینه هایی که شرکت متحمل شده ولی از وسعت و مقدار آن آگاه نیست می پردازد. می توان از این راهبرد، صرفه جویی در هزینه و دیگر روش های پیشنهاد شده، بهره برد تا هزینه ها را مدیریت کرد (بوریت و ساکا<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶). انتظار می رود در آینده برای شرکت ها هزینه های زیست محیطی ناشی از فشارهای خارج از شرکت مانند فشارهای دولتی و مشتریان به وجود آید.

## ۲- چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

هدف از حسابداری زیست محیطی، تهیه اطلاعاتی جهت کمک به مدیران در امر ارزیابی عملکرد، کنترل، تصمیم گیری و گزارشگری برای یک سازمان یا منطقه می باشد. حسابداری زیست محیطی بر اساس مفاهیم، معیارها و ارزش های زیست محیطی و اقتصادی بنا شده است. برای دستیابی به این هدف نیاز به تغییری در فرهنگ احساس می شود، که بخشی از این تغییر از طریق حسابداری و گزارشگری محیط زیستی حاصل می شود. حسابداری محیط زیست، اطلاعاتی را فراهم میکند که در امر ارزیابی، عملکرد، کنترل، تصمیم گیری و گزارشگری به مدیران کمک می کند. حسابداری زیست محیطی براساس مفاهیم اقتصادی و زیست محیطی بنا شده و از آنجایی که ارزش هایی استفاده می کند که از بازار ناشی نمی شوند،

استفاده از آن، مستلزم ایجاد تغییر در فرهنگ است. حسابداری زیست محیطی، بخشی از این تغییرات را در سازمان و وسیع تر از آن در جامع ارائه می کند. و با ارائه شناخت اساسی بیشتر و مشارکت در فعالیتهای کاری روزانه، به تعیین هدف توسعه مستمر به عنوان رویکردی خاص کمک می کند.

در ارتباط با حسابداری مدیریت محیط زیست تحقیقی تحت عنوان «حسابداری مدیریت محیط زیست» صورت پذیرفته است که سعی شده است چارچوب مفهومی حسابداری مدیریت محیط زیست مشخص گردد. در نهایت سعی در نشان دادن سیر تکاملی چارچوب مفهومی شده است (ملانظری، ۱۳۸۲).

بنت و مابتنس<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) مقاله ای تحت عنوان «کاهش بهای تمام شده به وسیله حسابداری مدیریت محیط زیست» تهیه گردید. این مقاله از ترکیب نظرات مختلف جوامع حسابداری و محیط زیست از قبیل کمیته حسابداران رسمی<sup>۵</sup>، انجمن حسابداران مدیریت<sup>۶</sup>، دفتر نمایندگی محیط زیست<sup>۷</sup>، شبکه حسابداری مدیریت محیط زیست در رابطه با تأثیر حسابداری مدیریت محیط زیست بر بهای تمام شده محصولات و کاهش آن نیز می باشد.

گراژ (۲۰۰۶) مقاله تحت عنوان «حسابداری مدیریت محیط زیست و تولید پاک» منتشر شد. در این مقاله به تأثیری که حسابداری مدیریت محیط زیست بر مصرف مواد و انرژی داشته باشد به نحوی که در کنار مصرف بهینه مواد و انرژی، تولید ضایعات را نیز کاهش دهد.

پژوهشی تحت عنوان «توسعه پایدار و سیستم مدیریت محیط زیست در کشور جمهوری چک» انجام شده است، هدف از این پژوهش مفهوم توسعه پایدار در جمهوری چک ترسیم شده است و به اهمیت جایگاه سیستم مدیریت محیط زیست در توسعه پایدار پرداخته شده است (هیرسلوا<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۰۷).

در پژوهش ناکاگامی<sup>۹</sup> در کشور ویتنام (۲۰۱۰) انجام شده است نیز، توجه به مسائل زیست محیطی برای رسیدن به فرایند توسعه پایدار، تأکید شده است.

در همین ارتباط تحقیقی تحت عنوان «چشم انداز توسعه و کاربرد حسابداری مدیریت محیط زیست» توسط ریچاردسون و ماگنسون<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۵) صورت پذیرفته است.

جاش ۱۱ (۲۰۰۲) پژوهش های زیادی را در رابطه با حسابداری مدیریت محیط زیست انجام داده است، در یکی از این پژوهش ها تحت عنوان «استفاده از حسابداری مدیریت محیط زیست برای شناخت و اندازه گیری هزینه ای زیست محیطی»، الگوهایی در جهت برآورد های هزینه های محیط زیست برای شرکت ها به وسیله حسابداری مدیریت محیط زیست پیشنهاد داده است. در این پژوهش بر لزوم قابل دید کردن هزینه های زیست محیطی و خارج کردن این هزینه ها از سرفصل سربار برای استفاده از این الگو، تأکید شده است.

عرب صالحی، صادقی و معین الدین (۱۳۹۲: ۱) در پژوهشی تحت عنوان "رابطه مسئولیت اجتماعی با عملکرد مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" از طریق پرسشنامه ای که حاوی ۵۳ سوال در زمینه مسئولیت اجتماعی آن ها نسبت به مشتریان کارکنان، محیط زیست و نهادهای موجود در جامعه ( نهادهای آموزشی، نهادهای فرهنگی، نهادهای ورزشی، سازمان های بهداشت بیمارستان ها،

نهادهای خیریه، مراکز توان بخشی و غیره) است، اندازه گیری شد. از اطلاعات ۵۹ شرکت در طول سالهای ۱۳۸۹-۱۳۸۵ استفاده شد. نتایج نشان می دهد که عملکرد مالی با مسئولیت اجتماعی شرکت نسبت به مشتریان و نهادهای موجود در جامعه ارتباط دارد ولی عملکرد مالی بامسئولیت اجتماعی شرکت نسبت به کارکنان و محیط زیست رابطه معناداری ندارد.

قاضی زاده (۱۳۹۲: ۷۵) در پژوهشی با عنوان شناسایی رابطه مسئولیت اجتماعی شرکت با وفاداری مشتریان (مورد مطالعه: بانک ملت) به بررسی تاثیر مسئولیت اجتماعی با میزان وفاداری مشتریان پرداخته اند. نتایج نشان می دهد که بین مسئولیت اجتماعی سازمان با وفاداری مشتریان رابطه معناداری وجود دارد. باباجانی و فروغی (۱۳۸۲: ۳۹) در پژوهشی تحت عنوان "ارزیابی قابلیت پاسخگویی نظام حسابداری نسبت به مسئولیت اجتماعی واحدهای انتفاعی" در ارتباط با گزارشگری اجتماعی شرکتها و تعیین چارچوب نظری، اهداف و مقاصد پیش گفته است. در این پژوهش با استفاده از روش دلفی، ۸ عامل مهم و اصلی به عنوان معیارهای قابل قبول جهت ارتقا سطح مسئولیت پاسخگویی اجتماعی نظام حسابداری و گزارشگری مالی واحدهای انتفاعی ایران، شناسایی شد و با توجه به معیارهای پذیرفته شده و براساس امتیازات اختصاص یافته توسط اعضای گروه دلفی به وضعیت موجود هر یک از این عوامل، در نظام فعلی حسابداری و گزارشگری مالی واحدهای انتفاعی ایران مشخص گردید که نظام فعلی حسابداری و گزارشگری مالی واحدهای انتفاعی ایران از قابلیتهای مورد انتظار برای پاسخگویی به مسئولیت اجتماعی برخوردار نمی باشند.

سالوسکی و زولج<sup>۱۲</sup> (۲۰۱۴) در پژوهش خویش به بررسی ارتباط بین میزان افشاء مسئولیت اجتماعی شرکتی و کیفیت سود پرداختند. نتیجه این پژوهش حاکی از آن است که روند رو به رشد شرکتها در خصوص افشاء اطلاعات مسئولیت اجتماعی شرکتها لزوماً منجر به افزایش کیفیت سود نمی شود و یک ارتباط منفی بین میزان افشاء مسئولیت اجتماعی شرکت و کیفیت سود وجود دارد. هم چنین نتایج پژوهش آن ها نشان داد که بین مسئولیت اجتماعی شرکت با درجه محافظه کاری شرکت و کیفیت اقلام تعهدی رابطه منفی و با مدیریت سود رابطه مثبت وجود دارد.

اویونو و همکاران<sup>۱۳</sup> (۲۰۱۱: ۱۰۰)، در مطالعه ای با عنوان بررسی مسئولیت اجتماعی شرکتها و عملکرد مالی به بررسی مسئولیت اجتماعی شرکتها و عملکرد مالی ۵۰ شرکت مالزیایی پرداختند. تجزیه و تحلیل آن ها نشان داد که رابطه مثبت و تقریباً ضعیفی بین مسئولیت اجتماعی شرکتها و عملکرد مالی وجود دارد. بنابراین آن ها ادعا کردند که گزارش فعالیت های اجتماعی شرکتها باعث بهبود عملکرد مالی می گردد.

آرشاد و رازاک<sup>۱۴</sup> (۲۰۱۱: ۲۵)، در پژوهشی با عنوان افشای مسئولیت اجتماعی شرکتی و عملکرد شرکت های مالزی پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که افشای فعالیت های مسئولیت اجتماعی شرکتها اثر قابل توجهی بر روی موفقیت شرکتها دارد. همچنین ساختار مالکیت غالب باعث بهبود فعالیت های افشای مسئولیت اجتماعی می گردد.

سیکا<sup>۱۵</sup> (۲۰۱۱: ۸۱۱) در پژوهشی تحت عنوان بررسی بکارگیری دستورالعمل‌های حسابداری پایدار بر روی تداوم فعالیت‌های شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تایلند به این نتیجه رسید که ارتباط مستقیم و مثبتی بین تداوم فعالیت و حیات شرکتهایی که خود را ملزم به ارائه گزارشهایی با رعایت استانداردهای حسابداری پایدار کرده اند وجود دارد.

چویی و همکاران<sup>۱۶</sup> (۲۰۱۰ : ۲۹۱-۳۱۱) پژوهشی در بین ۱۲۲۲ شرکت از کشور کره انجام دادند که نتایج حاکی از وجود ارتباط مثبت و معنادار بین عملکرد مالی و مسئولیت اجتماعی بوده است.

### ۳- اهداف تحقیق

هدف کلی این تحقیق «بررسی تاثیر حسابداری محیط زیست بر شاخص‌های عملیاتی و مالی شرکت» می‌باشد. بررسی دیدگاه‌های مختلف اساتید دانشگاه نسبت به تأثیر سیستم حسابداری محیط زیست بر شاخص‌های عملیاتی و مالی شرکت در نظر گرفته می‌شود که آیا حسابداری محیط زیست در رابطه با شاخص‌های عملیاتی و مالی شرکت تاثیر گذار است یا خیر.

چاوهان (۲۰۰۵) و بوید (۱۹۹۸) حسابداری محیط زیست را به معنای شناسایی و گزارشگری هزینه‌های خاص زیست محیطی تعبیر کردند. حسابداری محیط زیست فراتر از حسابداری هزینه‌ها و منافع زیست محیطی می‌باشد که شامل حسابداری هزینه‌ها و منافع ناشی از تغییر در محصولات یا فرایندهای شرکت همچنین شامل تغییر در تاثیرات زیست محیطی می‌باشد. نیازی نیست که اطلاعات حسابداری محیط زیست محصول حسابداران باشد بلکه هر نوع اطلاعات با محتوای مالی صریح یا مجازی می‌باشد که به عنوان نهادی تصمیم‌گیری در شرکت مورد استفاده قرار می‌گیرد. طراحان محصول، تحلیلگران مالی و مدیران، استفاده کنندگان اطلاعات حسابداری محیط زیست می‌باشند.

هدف اصلی پژوهش بررسی تاثیر حسابداری محیط زیست بر شاخص‌های عملیاتی و مالی شرکت‌های تولیدی بوده است.

در این راستا **فرضیه‌های پژوهش** به شرح زیر می‌باشند:

- ۱) حسابداری محیط زیست بر میزان تولید شرکت‌های تولیدی تاثیر دارد.
- ۲) حسابداری محیط زیست بر نوع کالاهای تولید شده شرکتهای تولیدی تاثیر دارد.
- ۳) حسابداری محیط زیست بر مصرف سالانه انرژی شرکتهای تولیدی تاثیر دارد.
- ۴) حسابداری محیط زیست به عنوان بر نسبت بدهی خدمات (بازپرداخت اصل و فرع بدهی‌های بلند مدت) به کل بدهی‌های شرکتهای تولیدی تاثیر دارد.
- ۵) حسابداری محیط زیست بر کمک‌های بلاعوض فنی بیرون از سازمان به شرکتهای تولیدی تاثیر دارد.
- ۶) حسابداری محیط زیست بر میزان کاهش تولید ضایعات شرکتهای تولیدی تاثیر دارد.

به همین منظور **متغیرهای پژوهش** را می توان به شرح زیر برشمرد:

هزینه های زیست محیطی : به طور کلی هزینه های زیست محیطی به دسته های اصلی زیر تقسیم می شوند: هزینه مواد مربوط به تولیدات شرکت، هزینه مواد مربوط به تولیدات عاید نشده، هزینه های مربوط به ضایعات تولید، هزینه های مربوط به جلوگیری از ضربه خوردن به محیط زیست و هزینه تحقیق و توسعه مربوط به مسائل زیست محیطی.

مصرف سالانه انرژی که میزان انرژی ( حال به شکل مایع، جامد، گاز یا الکتریسیته) مصرف شده توسط یک نفر و در یک منطقه جغرافیایی می باشد.

شاخص نسبت " بازپرداخت اصل و فرع بدهی های بلند مدت" به کل بدهی ها نسبت بازپرداخت اصل و فرع اوراق بدهی و تعهدات بلند مدت به کل بدهی ها می باشد.

شاخص ضایعات در محیط صنعتی و شهری عبارت از الگوهای غیر پایدار مصرف و تولید که مخصوصاً در کشورهای توسعه یافته به کار می رود می باشد می تواند یکی از دلایل اصلی تحلیل منابع طبیعی و تخریب محیط زیست به حساب آید. به طور جدی تأکید می شود که زمین نمی تواند این سطح از مصرف کشورهای صنعتی را در بلند مدت تأمین کند. به علاوه، سطح بالای این مصرف فرایند توسعه کشور ها را با مخاطره روبه رو کرده است. به وسیله ترکیبی از تلاش های دولت ها، تولیدکنندگان و مصرف کنندگان سعی شد تغییری در شیوه عملکرد به وجود آید. منظور از این تغییر آن است که بر خلاف گذشته تأکید کمی روی مصرف مواد دارد و در عوض به مصرف کارآمد انرژی و منابع و همچنین به سیستم اقتصادی که هزینه های محیط زیست و اجتماعی را به کار گیرد، تأکید می کند.

#### ۴- روش پژوهش

از آنجا که درباره این موضوع اطلاعات اندکی در دست است و از طرفی نیاز است عقیده صاحب نظران درباره توانایی سیستم حسابداری محیط زیست در ایجاد تحولات در آینده سازمان، مدنظر قرار گیرد، برای این امر از روش دلفی به عنوان روش پژوهش این پایان نامه استفاده می شود. از روش دلفی و در نهایت پرسشنامه پنج گزینه ای لیکرت طراحی استفاده خواهد شد که نظرات را به صورت یک جا می سنجد. در مورد روایی پایان نامه بعد از شناخت مؤلفه ها و مشخصات از طریق اجماع، نظر کارشناسان و مبانی نظری این مؤلفه ها را بدست آورده و در مورد پایایی بعد از آنکه پرسشنامه ای به روش لیکرت طراحی شد، از طریق ضریب آلفای کرونباخ، پایایی آن را می سنجیم. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده ۰,۸ می باشد و چون بالای ۰,۷ است، پایایی مورد پذیرش است. اطلاعات و داده های لازم به سه روش جمع آوری شد. مطالعه کتب، مجلات و پایان نامه های مربوط، استفاده از اینترنت و منابع اطلاعاتی آن، گردآوری داده های تحقیق از طریق پرسشنامه از روش های مورد استفاده بوده اند.

از آنجا که این تحقیق بدنبال بررسی اثر حسابداری محیط زیست بر شاخص های عملیاتی و مالی می باشد لذا به شناسایی شرایط موجود می پردازد و در سال ۱۳۹۳ انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق

اساتید دانشگاه های تهران می باشند. با استفاده از فرمول کوکران از جامعه نامحدود، تعداد نمونه محاسبه و در نظر گرفته شد. در نهایت این تعداد شامل ۷۰ پرسش شونده بوده است.

در خصوص استفاده از روش های آماری باید خاطر نشان کرد که هر گاه هدف، مقایسه میانگین یک متغیر یا نمونه با یک مقدار ثابت باشد، می توان از آزمون  $t$  - استیودنت استفاده کرد. در این آزمون، فرض نرمال بودن لازم است، (اگر چه اگر تعداد نمونه بیشتر از ۳۰ باشد، براساس قضیه حد مرکزی توزیع نرمال خواهد شد).

با استفاده از آزمون فریدمن می توان میزان اثرگذاری عوامل مؤثر را مقایسه نمود (در این بخش این سوال مطرح است که از نظر پاسخ دهندگان کدام عامل تاثیر بیشتری بر شاخص های عملیاتی و مالی شرکت های تولیدی دارد؟). در صورتی که پاسخ ها وابسته به هم باشند می توان آنها را از نظر رتبه با استفاده از این روش مقایسه نمود.

#### ۵- یافته های پژوهش

شواهد تجربی تایید می کند که طرز عمل درباره متغیرهای ترتیبی، در صورتیکه طبقه ها فاصله داشته باشند، می تواند مانند مقیاس های فاصله ای باشد. بنابراین تجزیه و تحلیل آمار پارامتری از قبیل آزمون  $t$ ، برای متغیرهای ترتیبی توجیه دارد.

نتایج فرضیه اول به شرح جدول ۱ می باشد. مقدار آماره آزمون برابر با  $۱۶/۳۱$  است فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد میشود پس حسابداری محیط زیست بر میزان تولید شرکت های تولیدی تاثیر دارد.

جدول ۱- نتایج فرضیه اول

فرضیه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	$t$ مقدار	سطح معناداری	میانگین تفاوت از مقدار ۴/۵
فرضیه اول	۷۰	۶/۴۱	۰/۸۵	۱۶/۳۱	۰/۰۰۰	۲/۰۱

منبع: یافته های پژوهشگر

نتایج فرضیه دوم در جدول ۲ آمده است. آماره آزمون دارای توزیع  $t$  (تقریباً نرمال برای این داده ها) است. مقدار آماره آزمون برابر با  $۵/۰۲$  است و فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد میشود. پس حسابداری محیط زیست بر نوع کالاهای تولید شده شرکت های تولیدی تاثیر دارد.

جدول ۲- نتایج فرضیه دوم

فرضیه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t مقدار	سطح معناداری	میانگین تفاوت از مقدار ۴/۵
فرضیه دوم	۷۰	۵/۰۴	۱/۳۱	۵/۰۲	۰/۰۰۰	۰/۹۳

منبع: یافته‌های پژوهشگر

برای آزمون فرضیه سوم طبق جدول ۳ آماره آزمون دارای توزیع t (تقریباً نرمال برای این داده ها) است. مقدار آماره آزمون برابر با ۱۴/۵۵ است و فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود. لذا حسابداری محیط زیست بر مصرف سالانه انرژی شرکت‌های تولیدی تاثیر دارد.

جدول ۳- نتایج فرضیه سوم

فرضیه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t مقدار	سطح معناداری	میانگین تفاوت از مقدار ۴/۵
فرضیه سوم	۷۰	۷/۱۸	۱/۲۵	۱۴/۵۵	۰/۰۰۰	۲/۴۸

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در خصوص فرضیه چهارم نتایج جدول ۴ نشان دهنده مقدار آماره آزمون برابر با ۴/۷۷ است. فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد شده و در نتیجه حسابداری محیط زیست بر نسبت بدهی های بلندمدت (بازپرداخت اصل و فرع بدهی های بلند مدت) به کل بدهی های شرکت‌های تولیدی تاثیر دارد.

جدول ۴- نتایج فرضیه چهارم

فرضیه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t مقدار	سطح معناداری	میانگین تفاوت از مقدار ۴/۵
فرضیه چهارم	۷۰	۵/۲۹	۱/۳۸	۴/۷۷	۰/۰۰۰	۰/۷۵

منبع: یافته‌های پژوهشگر

فرضیه پنجم با نتایج در جدول ۵ نشان می دهد که آماره آزمون دارای توزیع t (تقریباً نرمال برای این داده ها) است و مقدار آماره آزمون برابر با ۱۰/۸۵ است پس حسابداری محیط زیست بر کمک های بلاعوض فنی بیرون از سازمان به شرکت‌های تولیدی تاثیر دارد.



جدول ۵- نتایج فرضیه پنجم

فرضیه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t مقدار	سطح معناداری	میانگین تفاوت از مقدار ۴/۵
فرضیه پنجم	۷۰	۶/۹۰	۱/۲۱	۱۰/۸۵	۰/۰۰۰	۱/۵۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در فرضیه ششم، مقدار آماره آزمون برابر با ۷/۰۸ است. آماره آزمون دارای توزیع t (تقریباً نرمال برای این داده‌ها) است و جدول ۶ نشان دهنده نتایج حاصل از این فرضیه می‌باشد. پس حسابداری محیط زیست بر میزان کاهش تولید ضایعات شرکت‌های تولیدی تاثیر دارد.

جدول ۶- نتایج فرضیه ششم

فرضیه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t مقدار	سطح معناداری	میانگین تفاوت از مقدار ۴/۵
فرضیه ششم	۷۰	۶/۰۳	۱/۷۶	۷/۰۸	۰/۰۰۰	۱/۵۳

منبع: یافته‌های پژوهشگر

### ۶- رتبه‌بندی میزان تاثیرگذاری سیستم حسابداری محیط زیست بر شاخص‌های عملیاتی و مالی شرکت‌های تولیدی

با توجه به وابستگی پاسخ‌ها برای مقایسه میزان تاثیر عوامل مناسبترین آزمون استفاده از آزمون نا پارامتری فریدمن می‌باشد.

فرض صفر و فرض مقابل در این آزمون به صورت رابطه شماره ۱ فرمول بندی می‌گردد.  
(رابطه ۱)

$$\begin{cases} H_0 : \bar{R}_1 = \bar{R}_2 = \dots = \bar{R}_{11} \\ H_1 : \bar{R}_i \neq \bar{R}_j \quad \exists i \neq j = 1, 2, \dots, 11 \end{cases} \equiv \begin{cases} H_0 : \text{میانگین رتبه عوامل با هم یکسان است.} \\ H_1 : \text{میانگین رتبه عوامل با هم یکسان نیست.} \end{cases}$$

جدول ۷- محاسبه آماره کای دو

آماره آزمون	
تعداد	۷۰
مقدار کای - دو	۱۲۵/۰۲
سطح معناداری	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۸- مقایسه تاثیر عوامل موجود در آزمون

میزان تاثیر	میانگین رتبه	عوامل
بیشترین	۸/۵۶	فرضیه سوم
	۷/۸۹	فرضیه اول
	۶/۹۵	فرضیه ششم
	۵/۵۴	فرضیه پنجم
	۴/۳۵	فرضیه دوم
کمترین	۳/۴۴	فرضیه چهارم

منبع: یافته‌های پژوهشگر

طبق جدول ۷، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می شود زیرا مقادیر آماره کای - دو برابر با ۱۲۵/۰۲ بدست آمده است که در ناحیه رد فرض صفر قرار دارد. یعنی میزان تاثیر گذاری حسابداری محیط زیست بر شاخص های عملیاتی و مالی شرکت های تولیدی متفاوت است. در جدول ۸، میزان موثر بودن به ترتیب رتبه بندی شده است.

بیشترین میزان تاثیر حسابداری محیط زیست بر مصرف سالانه انرژی، میزان تولید شرکت های تولیدی، میزان کاهش تولید ضایعات و کمک های بلاعوض فنی بیرون از سازمان به شرکتهای تولیدی است. کمترین میزان تاثیر حسابداری محیط زیست بر نوع کالاهای تولید شده و نسبت بدهی خدمات (بازپرداخت اصل و فرع بدهی های بلند مدت) به کل بدهی های شرکتهای تولیدی بوده است.

#### ۷- بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش نشان داد که بهبود عملکرد مستلزم استفاده بهینه از منابع می باشد؛ حسابداری محیط زیست بر شاخص های مالی و عملیاتی شرکت های تولیدی تأثیر دارد. تأثیر بر مصرف سالانه انرژی علاوه بر آثار مثبت بر شرکت ها در سطح کلان نیز دارای ارزش است. این عامل بیشترین تأثیر را از حسابداری زیست محیطی گرفته است. سایر متغیرها نیز این تأثیر پذیری را از حسابداری محیط زیست داشته اند که به ترتیب شامل میزان تولید شرکت های تولیدی، میزان کاهش تولید ضایعات، کمک های بلاعوض فنی بیرون از سازمان به شرکتهای تولیدی، نوع کالاهای تولید شده و نسبت بدهی خدمات (بازپرداخت اصل و فرع بدهی های بلند مدت) به کل بدهی های شرکتهای تولیدی بوده است. نتایج این پژوهش با تحقیقات مارتین بنت و مابتنس (۲۰۱۰)، گراژ (۲۰۰۶) عرب صالحی (۱۳۹۲)، اویونو و همکاران (۲۰۱۱)، آرشاد و رازاک (۲۰۱۱) و سیکا (۲۰۱۱) همسو می باشد. حسابداری محیط زیست اطلاعات لازم (مقداری و ریالی) را در جهت تصمیم گیری مدیران در راستای فرایند کنترل فعالیت و بهبود عملکرد محیطی واحد تجاری فراهم می کند. راهبرد مورد بحث در این پژوهش به تهدیدات و تغییرات آینده توجه دارد که می تواند هزینه های جدید و بیشتری را برای بنگاه اقتصادی ایجاد کند. راهبرد عملیاتی به کار گرفته شده به هزینه هایی که شرکت

متحمل شده ولی از وسعت و مقدار آن آگاه نیست می پردازد. شرکت می تواند با به کار بردن این راهبرد با صرفه جویی در هزینه و دیگر روش های پیشنهاد شده، بهره برد تا این هزینه ها را مدیریت کند. انتظار می رود در آینده برای شرکت ها هزینه های زیست محیطی ناشی از فشارهای خارج از شرکت مانند فشارهای دولتی و مشتریان به وجود آید. از این رو، حسابداری محیط زیست می تواند از یک طرف در بهبود عملکرد زیست محیطی شرکت ها در جهت کاهش فشارهای دولتی و مشتریان اثر بگذارد و از طرف دیگر، با مصرف درست و بهینه منابع قادر است شرکت ها را در جهت ارتقای شاخص های مالی و عملیاتی کمک کند.

برای تحقیقات آتی پیشنهاد می شود که بررسی تاثیر حسابداری محیط زیست بر میزان کاهش بهای تمام شده محصولات تولیدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گیرد. همچنین تاثیر حسابداری محیط زیست بر سایر شاخص های عملیاتی شرکت ها از قبیل مسوولیت اجتماعی، سهم بازار محصول و وفاداری مشتریان مورد توجه واقع شود.

#### فهرست منابع

- ۱) باباجانی، جعفر؛ فروغی، داریوش. (۱۳۸۲)، " ارزیابی قابلیت پاسخگویی نظام حسابداری نسبت به مسوولیت اجتماعی و احوالدهای انتفاعی". فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال اول شماره ۲، صص ۳۹-۶۱.
- ۲) عرب صالحی، مهدی. صادقی، غزل. معین الدین، محمود (۱۳۹۲)، مسوولیت اجتماعی با عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله پژوهش های تجربی حسابداری، شماره ۹، صص ۱-۲۰.
- ۳) قاضی زاده، مصطفی، سرداری، احمد، دانشخواهی، حامد، رئیسی، حسین. (۱۳۹۲). شناسایی رابطه مسوولیت اجتماعی شرکت با وفاداری مشتریان (مورد مطالعه: بانک ملت)، فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات بازاریابی نوین سال سوم، شماره سوم، صص ۹۴-۷۵.
- ۴) ملانظری، مهناز (۱۳۸۲). حسابداری مدیریت محیط زیست، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی- شماره هشتم.
- 5) Andersson, T. & Wolff, R., (1996), " Ecology as a Challenge for Management Research", Scandinavian Journal of Management, Vol. 12, pp. 223-231.
- 6) Arshad, R. and Razak, S.N.A.A. (2011), "Corporate Social Responsibility Disclosure and Interaction Effects of Ownership Structure on firm Performance", Business, Engineering and Industrial Applications (ISBEIA), vol. 111, pp. 25-28.
- 7) Burritt, K. L. & Saka, C. (2006), " Environmental Management Accounting Applications and Eco-Efficiency: Case Studies from Japan. Journal Of Cleaner Production, 14, pp. 1262-1275.
- 8) Choi, Jong-Seo; Kwak, Young-Ming; Choe, CHongwoo, (2010), Corporate social responsibility and Corporate Financial Performance: Evidence from Korea. Australian Journal of Management, 53 (3),
- 9) Christine Jasch (2002), The use of Environmental Management Accounting (EMA) for Identifying Environmental cost, 1,5,9.

- 10) Graz, A. ,(2006) , Environmental Management Accounting And Cleaner Production, PP. 2,3.
- 11) Jaroslava Hyršlová, Petra Mísařová, ,(2007), "Sustainable Development And Environmental Management Systems In The Czech Republic", International Journal for Quality research Danka Némethová. University of Pardubice, Mendel University of Agriculture and Forestry Brno, Masaryk University Brno, Czech Republic., PP.1,7.
- 12) Kenichi Nakagami ,(2010), Environmental Management and Sustainable Development in Vietnam, PP. 13.
- 13) Martin Bennett and Mabbetts ,(2010), Reduce Your Costs Whit Environmental Management Accounting, PP.1,15,20
- 14) Marcus Salewski , Henning Zülch ,(2014),The Association between Corporate Social Responsibility (CSR) and Earnings Quality – Evidence from European Blue Chips,HHL Leipzig Graduate School of Management, HHL Leipzig Graduate School of Management ,January 7, papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm? abstract\_id=2141768,HHL Working Paper Series No. 112 .
- 15) Oeyono, J. and Samy, M .and Bampton, R. ,(2011), "An Examination of Corporate Social Responsibility and Financial Performance: A study of the top 50 Indonesian Listed Corporations", Journal of Global Responsibility, Vol.2, PP.100-112.
- 16) Pall Richardson and Brigitte Mogensen ,(2005) , Perspectives in the Development and Application of Environmental Management Accounting, PP.1,20.
- 17) Sikka, Prem ,(2011), Accounting for Human Rights: The Challenge of Globalization and Foreign Investment Agreements, Journal of Critical Perspectives on Accounting. London: Nov 2011. Vol. 22, Issue. 8; PP. 811

## یادداشتها

- <sup>1</sup> . Plogner
- <sup>2</sup> . Andersson & Wolff
- <sup>3</sup> . Burrit & Saka
- <sup>4</sup> . Bennett and Mabbetts
- <sup>5</sup> . The Association of Chartered Certified Accountants
- <sup>6</sup> . The Chartered Institute of Management Accountants
- <sup>7</sup> . The Environmental Management Accounting Network
- <sup>8</sup> . Hyršlová and others
- <sup>9</sup> . Nakagami
- <sup>10</sup> . Richardson and Mogensen
- <sup>11</sup> . Jasch
- <sup>12</sup> . Salewski and Zu"lch
- <sup>13</sup> . Oeyono, et al
- <sup>14</sup> . Arshad and Razak
- <sup>15</sup> . Sika
- <sup>16</sup> . Choi et al.



## اثر تعدیل کننده عدم اطمینان محیطی بر رابطه بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی

ولی خدادادی<sup>۱</sup>

مهدی عربی<sup>۲</sup>

صادق آل بوعلی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۱/۲۴

### چکیده

هدف تحقیق، بررسی تأثیر عدم اطمینان محیطی بر رابطه‌ی بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی است. مدیریت سود با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری حاصل از تخمین مدل معرفی شده توسط کوپتاری، لئون و وازلی (۲۰۰۵) سنجیده شده است. عدم اطمینان محیطی از طریق ضریب تغییرات میزان فروش شش سال اخیر برای هر شرکت محاسبه شد. داده‌های تحقیق برای ۱۴۲ شرکت نمونه‌ی آماری از میان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره‌ی زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ انتخاب گردیده‌اند و به روش داده‌های ترکیبی و مدل اثرات تصادفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که مدیریت سود در شرکت‌های مورد مطالعه با عدم تقارن اطلاعاتی ارتباط مثبت معناداری دارد. همچنین، در یک محیط با عدم اطمینان بالا، شدت ارتباط مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی کاهش می‌یابد. به بیان دیگر، با افزایش عدم اطمینان محیطی، مدیریت با اعمال بیشتر مدیریت سود عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد.

**واژه‌های کلیدی:** عدم اطمینان محیطی، مدیریت سود، عدم تقارن اطلاعاتی.

۱- دانشیار گروه حسابداری دانشگاه شهید چمران اهواز، نویسنده اصلی. vkhodadadi@scu.ac.ir

۲- عضو هیئت علمی، واحد ماهشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خوزستان، ایران، مسئول مکاتبات.

۳- عضو هیئت علمی، واحد ماهشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خوزستان، ایران.

## ۱- مقدمه

سرمایه‌گذاران و دیگر کاربران زمانی می‌توانند از سودهای شرکت برای تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و پیش‌بینی جریان‌های نقدی و سودهای آینده به طور صحیح بهره بگیرند که سودهای شرکت بر مبنای عملکرد مالی واقعی شرکت و نه بر اساس اعمال نظر مدیریت در استفاده از روش‌های حسابداری، گزارش شده باشد (حبیب<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴، ۶). استانداردهای حسابداری به مدیران اجازه می‌دهد که طیف وسیعی از اختیارات را در انتخاب روش‌های مختلف حسابداری برای محاسبه‌ی سود در اختیار داشته باشند. البته، ممکن است مدیران از تمام این اختیارات برای تحقق اهداف شرکت استفاده نکنند. اقلام تعهدی نسبت به اقلام نقدی تشکیل دهنده‌ی سود، بیشتر در کنترل مدیریت هستند. در واقع، مدیریت بنگاه تجاری می‌تواند با استفاده از این روش‌های انعطاف‌پذیر مجاز، سود را برای اهداف خود مدیریت کند (سمائی و شریعت-پناهی، ۱۳۸۳، ۵۸).

هدف مدیریت، نشان دادن شرکتی پویا و باثبات در نظر سرمایه‌گذاران و بازار سرمایه است. زیرا، اغلب سرمایه‌گذاران و مدیران اعتقاد دارند شرکت‌هایی که روند سودآوری مناسبی دارند و سود آن‌ها دچار تغییرات عمده نمی‌شود نسبت به شرکت‌های مشابه، ارزش بیشتر و قابلیت پیش‌بینی و مقایسه‌ی بیشتری دارند (نوروش، سپاسی و نیک‌بخت، ۱۳۸۴، ۴۱).

سرمایه‌گذاری مالی سالم و شفاف برای هر شخصی اهمیت دارد. به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاران نگاهی به آینده دارند. لذا، آینده‌ی مالی با تصمیمات درستی که امروز در خصوص سرمایه‌گذاری اتخاذ می‌شود، شکل می‌گیرد. تصمیمات مالی مناسب با استفاده از اطلاعات صحیح و به موقع صورت می‌گیرد. یکی از شروط رقابت کامل، شفافیت اطلاعات است. زمانی که اطلاعات مربوط به شرکت به صورت شفاف و به طور مساوی بین مدیران و سهامداران توزیع نشده باشد، عدم تقارن اطلاعاتی ایجاد می‌شود. مدیران شرکت‌های سهامی معمولاً درباره‌ی ارزش شرکت و قیمت سهام نسبت به سهامداران خارج از شرکت اطلاعات بیشتری دارند. عدم تقارن اطلاعاتی منجر به اعمال مدیریت سود می‌شود.

هدف این تحقیق تبیین رابطه‌ی بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و بررسی تاثیر عدم اطمینان محیطی بر رابطه‌ی بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی است. لذا، مسأله‌ی اساسی در این تحقیق این است که آیا شدت رابطه‌ی بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی در محیطی با عدم اطمینان بالا، تغییر می‌کند؟

## ۲- مبانی نظری تحقیق

سودهای گزارش شده‌ی شرکت‌های سهامی، همواره به عنوان یکی از معیارهای تصمیم‌گیری مالی، دارای اعتبار ویژه‌ای بوده است و تحلیلگران مالی، سود را به عنوان یک عامل اساسی در بررسی‌ها و قضاوت‌های خود مد نظر قرار می‌دهند. همچنین، به طور عام پژوهشگران بر این باورند که سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که دارای یک روند سودآوری یکنواخت و ثابت باشند و شرکت-

هایی که سود پر نوسانی گزارش می‌کنند، ریسک بیشتری نسبت به شرکت‌های دیگر دارند. به همین دلیل، مدیران برای نشان دادن تصویری مطلوب از شرکت و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری انگیزه‌ای قوی دارند تا سود را مدیریت کنند. (کاشانی‌پور و یعقوبی، ۱۳۸۵، ۸۸). مدیریت سود<sup>۲</sup> به رفتار آگاهانه‌ای اطلاق می‌شود که از جانب مدیریت شرکت و به طور عمدی برای کاهش نوسان‌های دوره‌ای سود انجام می‌شود (یوجا و بروسا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱).

بسیاری از پژوهشگران، هیپورث<sup>۴</sup> را نخستین کسی می‌دانند که بحث هموارسازی سود را معرفی کرده است (دیفاند و جیمبالو<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶، ۱۴۹). به طور کلی، مدیریت سود اثرگذاری روی سود شرکت است، به نحوی که منافع و خواسته‌های شرکت و مدیران آن را تامین کند (شیپر<sup>۶</sup>، ۱۹۸۹، ۹۴). اصول پذیرفته شده‌ی حسابداری اجازه می‌دهد بسیاری از معاملات با یک یا چند روش مختلف ثبت شود. به عنوان مثال، از بین روش‌های ارزیابی موجودی‌ها، روش‌های محاسبه‌ی استهلاک دارایی‌های ثابت و یا روش‌های شناسایی سود برای قراردادهای بلندمدت می‌توان یکی از آن‌ها را انتخاب کرد و بعدها دوباره آن را تغییر داد. فعالیت‌هایی نظیر زمان‌بندی ثبت فروش، کاهش ارزش موجودی‌ها و تجهیزات، تعمیر و پیاده‌سازی تجهیزات و مواردی از این دست، به اختیار مدیریت انجام می‌شود (حبیب<sup>۷</sup>، ۲۰۰۴، ۷).

بهره‌گیری از اطلاعات مالی شرکت‌ها و تصمیم‌گیری صحیح در بازار اوراق بهادار زمانی امکان‌پذیر است که اطلاعات یاد شده به موقع، مربوط و کامل و قابل فهم باشد. از سوی دیگر، نوع و چگونگی دستیابی به اطلاعات نیز حائز اهمیت است. در صورتی که انتقال اطلاعات به صورت نابرابر و نامتقارن، بین افراد صورت گیرد می‌تواند نتایج متفاوتی را نسبت به یک موضوع واحد سبب شود. عدم تقارن اطلاعاتی<sup>۸</sup> پیامدهای نامطلوب مختلفی را از قبیل کاهش کارایی بازار، افزایش هزینه‌های معاملاتی، ضعف بازار، افزایش هزینه حقوق صاحبان سهام، نقد شوندگی پایین و به طور کلی، کاهش سود حاصل از معاملات در بازارهای سرمایه در پی دارد (کارمیر، هول و لیداکس<sup>۹</sup>، ۲۰۱۳، ۲۹).

مدیریت سود، عدم اطمینان از جریان‌های نقدی آتی شرکت را برای سهامداران افزایش می‌دهد که این موضوع منجر به عدم تقارن اطلاعات بین سهامداران و مدیران می‌شود (باتاچاریا و همکاران<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۲، ۱۸۸). مدیریت سود فرصت طلبانه در مواقعی که عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر است، بیشتر اتفاق می‌افتد (ترومن و تیتمن<sup>۱۱</sup>، ۱۹۸۸).

سود حسابداری که بر مبنای تعهدی اندازه‌گیری می‌شود به دو قسم نقدی و تعهدی تقسیم می‌شود. برخی از اقلام تعهدی سود با اختیار مدیریت قابل دستکاری می‌باشند. ژوی<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۱) نشان داد که بازار سرمایه درک درستی از اقلام تعهدی اختیاری که ناشی از اختیارات مدیریت است، ندارد. در زمان دستکاری اقلام تعهدی، بین سرمایه‌گذاران آگاه (که قادر به شناسایی و ارزش‌گذاری مناسب اقلام تعهدی هستند) و سرمایه‌گذاران نا آگاه عدم تقارن اطلاعاتی به وجود می‌آید. لذا، می‌توان انتظار داشت هرچه مدیریت سود بیشتری اعمال شود و اقلام تعهدی بیشتری در ترکیب سود باشد، عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران آگاه و نا آگاه نیز بیشتر می‌شود (کارمیر، هول و لیداکس<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۳، ۳۰).

یکی از عواملی که می تواند باعث متفاوت بودن واکنش بازار به مدیریت سود شود، عدم اطمینان محیطی<sup>۱۳</sup> است. عدم اطمینان محیطی به عنوان نرخ تغییرپذیری در محیط خارجی سازمان ها، که شامل مشتریان عمده، رقبا، قوانین دولتی، و اتحادیه های کارگری هستند تعریف شده است (حبیب و همکاران<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۱، ۱۶). عدم اطمینان محیطی بالا، ریسک تخمین دقیق سودهای آتی توسط سهامداران را افزایش می دهد و آن را به یک موضوع بغرنج برای آن ها تبدیل می کند. در صورتی که مدیریت اقدام مناسب را برای کاهش این نوسان پذیری انجام ندهد، عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت و سهامداران حادث می شود. عدم اطمینان محیطی، محدودیت های جدی برای شرکت ایجاد می کند و بر استراتژی و تصمیمات مدیران در شرکت موثر است. در چنین شرایطی مدیران فرصت های استراتژیکی برای مقابله با این شرایط خواهند داشت. یکی از این فرصت ها، مدیریت سود است (کارمیر، هول و لیداکس، ۲۰۱۳، ۳۰).

برخی تحقیق ها نشان دادند که در یک محیط با عدم اطمینان بالا، تشخیص مدیریت سود توسط سهامداران را با دشواری مواجه می کند (لیم، دینگ و تانگ<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۸). زیرا، گزارشگری مالی و سنجش عملکرد در شرکت هایی که عملیات تجاری متغیر و پر نوسانی دارند، پیچیده تر است. لذا، انتظار می رود سودهایی که در این پیچیدگی محیطی مدیریت می شوند توسط بازار سرمایه شناسایی نشود. بنابراین، با توجه به مطالب بیان شده سوال اساسی تحقیق این است که آیا با افزایش عدم تقارن اطلاعاتی بین ذینفعان در شرکت، میزان مدیریت سود نیز افزایش می یابد؟ و آیا عدم اطمینان محیطی و پیچیدگی و نوسان در فروش، بر ارتباط بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی موثر می باشد؟

### ۳- پیشینه تحقیق

مهمترین پژوهش های انجام شده در زمینه موضوع تحقیق حاضر به شرح زیر بوده است: باچتیار<sup>۱۶</sup> (۲۰۰۸) به بررسی رابطه ی بین اقلام تعهدی و عدم تقارن اطلاعاتی طی دوره ی ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ در کشور اندونزی پرداخت. نتایج این تحقیق نشان داد که بین اقلام تعهدی و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه ی مثبت معنی داری وجود دارد. همچنین، یافته های تحقیق حاکی از رابطه ی مثبت و معنی داری بین اقلام تعهدی غیر عادی و عدم تقارن اطلاعاتی بوده است.

حبیب و همکاران<sup>۱۷</sup> (۲۰۱۱) واکنش بازار سهام به هموارسازی سودها را در یک محیط با عدم اطمینان بالا بررسی کردند. آن ها به این نتیجه رسیدند که قیمت جاری سهام، دارای محتوای اطلاعاتی بیشتری درباره ی سودهای آتی در محیط های با عدم اطمینان بالا می باشد. به عبارت دیگر، رابطه مثبت بین بازده جاری سهام و سودهای آتی شرکت هایی که سود را هموار می کنند، در یک محیط با عدم اطمینان بالا قوی تر است. همچنین در چنین محیطی هموارسازی سود، ثبات سودها را افزایش می دهد.

کارمیر و لیدوکس<sup>۱۸</sup> (۲۰۱۲) در تحقیق خود به بررسی اثر تعدیل کنندگی افشای اختیاری بر رابطه بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت های کانادایی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که مدیریت



سود و افشا اختیاری هر دو عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهند و افشای اختیاری اثر تعدیل‌کنندگی بر رابطه بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی دارد.

کارمیر، هول و لیداکس<sup>۱۹</sup> (۲۰۱۳) در تحقیق خود بین ۵۶۹ شرکت کانادایی و آمریکایی طی دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ به این نتیجه رسیدند که بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی ارتباط مثبتی برقرار است و پیچیدگی و عدم اطمینان محیطی منجر به تشدید ارتباط بین مدیریت سود (اقدام تعهدی اختیاری) و عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود.

خدای پور و قدیری (۱۳۸۹) با بررسی رابطه بین اقدام تعهدی و عدم تقارن اطلاعاتی نشان دادند که یک رابطه مثبت و معنی‌دار بین اقدام تعهدی غیر عادی و عدم تقارن اطلاعاتی وجود دارد.

رحیمیان، همتی و سلیمانی‌فرد (۱۳۹۱) در تحقیق خود به بررسی ارتباط بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی در ۵۹ شرکت بورس تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸ پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی ارتباط معناداری وجود دارد و کاهش کیفیت سود منجر به افزایش عدم تقارن اطلاعاتی می‌گردد.

#### ۴- فرضیه‌های تحقیق

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، اعمال مدیریت سود منجر به دشواری پیش‌بینی دقیق اقدام تعهدی سود توسط سهامداران و تحلیل‌گران مالی می‌شود. همچنین، مدیریت سود منجر می‌شود که سهامداران از اطلاعات دقیق داخلی شرکت آگاهی کمتری داشته باشند. در شرایط عدم اطمینان و نوسان میزان فروش در شرکت، پیش‌بینی سود توسط سهامداران دشوار تر می‌شود. از سوی دیگر، مدیران نیز با دستکاری سود در صدد هستند که وضعیت مالی شرکت را بهتر نشان دهند و قابلیت پیش‌بینی سود را برای سهامداران تسهیل کنند. به دلایل مزبور، فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر تدوین شدند:

**فرضیه‌ی اول:** بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی ارتباط مثبت معناداری وجود دارد.

**فرضیه‌ی دوم:** عدم اطمینان محیطی، ارتباط بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی را تضعیف می‌کند.

#### ۵- روش تحقیق و ابزار گردآوری اطلاعات

تحقیق حاضر بر اساس هدف، از نوع کاربردی و بر اساس ماهیت و روش، از نوع همبستگی است. این تحقیق بر اساس طرح تحقیق نیمه تجربی و با استفاده از رویکرد پس‌رویدادی (از طریق اطلاعات گذشته) انجام شده است.

برای تدوین مبانی نظری تحقیق حاضر از مطالعه‌ی کتابخانه‌ای و سپس با استفاده از سایت بورس اوراق بهادار<sup>۲۰</sup> و همچنین نرم افزار تدبیر پرداز داده‌های اولیه‌ی مربوط به شرکت‌ها به طور مستقیم از بورس اوراق بهادار تهران و صورت‌های مالی شرکت‌ها گردآوری شده و برای محاسبه‌ی متغیر مستقل و وابسته‌ی تحقیق

استفاده شده است. بنابراین، روش گردآوری داده‌ها در تحقیق حاضر از نوع بررسی میدانی است. برای پردازش اطلاعات از نرم افزار Excel (ویرایش ۲۰۰۷) و Eviews (ویرایش ۷) استفاده شده است.

### ۶- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و متغیرهای تحقیق

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل رگرسیون چند متغیره<sup>۲۱</sup> با تکیه بر رویکرد داده‌های ترکیبی<sup>۲۲</sup> بهره گرفته شده است. مزیت این روش امکان برآورد پویایی متغیرها در طول زمان است. در این رویکرد، برای انتخاب نوع روش مناسب برآورد مدل، از آزمون‌های چاو یا  $F$  مقید<sup>۲۳</sup> و هاسمن<sup>۲۴</sup> استفاده می‌شود. در تحقیق حاضر، از چهار گروه متغیر شامل متغیرهای مستقل، وابسته، تعدیل کننده و کنترلی استفاده شده است که نحوه عملیاتی کردن آن‌ها به شرح زیر می‌باشد:

شاخص اندازه‌گیری مدیریت سود (یعنی اقلام تعهدی اختیاری) که توسط کوتاری، لئون و وازلی<sup>۲۵</sup> (۲۰۰۵) ارائه شده و به مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) معروف است، به شرح مدل شماره‌ی (۱) است:

$$DisAcc_{it} = \frac{TA_{it}}{Assets_{it-1}} - \left( \beta_0 \left( \frac{1}{Assets_{it-1}} \right) + \beta_1 \left( \frac{\Delta Sales_{it} - \Delta Rec_{it}}{Assets_{it-1}} \right) + \beta_2 \frac{PPE_{it}}{Assets_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

در رابطه‌ی (۱):

$TA_{it}$ : نشانگر جمع کل اقلام تعهدی؛

$A_{t-1}$ : نشانگر جمع دارایی‌های شرکت در دوره قبل (ابتدای سال)؛

$\Delta Sales_{it}$ : نشانگر تغییرات درآمدهای فروش سال جاری؛

$\Delta REC_{it}$ : نشانگر تغییرات حساب‌های دریافتی سال جاری و سال قبل و

$PPE_{it}$ : نیز نشانگر جمع ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات (دارایی‌های ثابت) است.

در مدل (۱) برای استاندارد شدن متغیرها، همه متغیرهای مدل بر جمع کل دارایی‌های ابتدای سال ( $A_{t-1}$ ) تقسیم شده‌اند. اقلام تعهدی کل (TA) از طریق رابطه‌ی شماره‌ی (۲) محاسبه می‌شود:

$$TA = EARN - CFO \quad (2)$$

در رابطه‌ی (۲)، EARN بیانگر سود خالص و CFO نیز جریان وجه نقد حاصل از عملیات تعریف شده است. اندازه‌ی نهایی مدیریت سود مقادیر باقی مانده‌های حاصل از تخمین مدل (۱) بوده که بیانگر اقلام تعهدی اختیاری می‌باشد.

**عدم تقارن اطلاعاتی** یک مفهوم کیفی است و برای اینکه قادر باشیم آن را در قالب اعداد و ارقام بیان کنیم، به مدلی نیاز داریم تا آن را کمی کنیم. برای این کار به پیروی از کارمیر، هول و لیداکس (۲۰۱۳) از دامنه‌ی قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام استفاده می‌کنیم. زیرا، هر چه قیمت‌های پیشنهادی

خریداران و فروشندگان سهام یک شرکت بیشتر باشد، اطلاعات موثر بر تصمیم‌گیری بین آنان متفاوت و نامتقارن است. روش مزبور به شرح رابطه‌ی (۳) است:

$$ASY = \frac{(AP - BP)}{(AP + BP) / 2} \times 100 \quad (3)$$

در رابطه‌ی (۳):

ASY: نشانگر دامنه‌ی قیمت‌های خرید و فروش سهام شرکت است که به عنوان شاخص عدم تقارن اطلاعاتی به کار رفته است؛

AP<sup>۲۶</sup>: میانگین قیمت پیشنهادی فروش سهام شرکت و

BP<sup>۲۷</sup>: میانگین قیمت پیشنهادی خرید سهام شرکت است.

برای انجام محاسبات، ابتدا بهترین قیمت پیشنهادی خرید و فروش هر سهم برای سه هفته قبل و بعد از اعلام سود سهام برآوردی استخراج می‌شود (منظور از بهترین قیمت پیشنهادی خرید، عبارت است از بالاترین قیمت پیشنهادی برای خرید سهم در هر روز و بهترین قیمت پیشنهادی فروش نیز، کمترین قیمت پیشنهادی برای فروش هر سهم در هر روز است). سپس، با استفاده از میانگین آن‌ها دامنه‌ی تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام محاسبه می‌گردد.

برای اندازه‌گیری **عدم اطمینان محیطی** از ضریب تغییرات فروش استفاده شده است. زیرا، هر چه نوسان فروش بیشتر باشد، محیط فعالیت شرکت با عدم اطمینان بیشتری همراه است (برگ و لاولس<sup>۲۸</sup>، ۱۹۸۸). روش مزبور به شرح رابطه‌ی (۴) است:

$$EU_{i,t} = \frac{\sigma_{Sales}}{\mu_{Sales}} \dots \dots \dots i, t - 4 \text{ to } t \quad (4)$$

در رابطه‌ی (۴):

EU: بیانگر ضریب تغییرات فروش است و شاخص متغیر عدم اطمینان محیطی؛

$\sigma_{Sales}$ : بیانگر انحراف معیار فروش‌های شرکت طی یک دوره شش ساله (از سال t-5 تا t) و

$\mu_{Sales}$ : بیانگر میانگین فروش‌های شرکت طی یک دوره شش ساله (از سال t-5 تا t).

این معیار عدم اطمینان محیطی که ویژه‌ی واحد تجاری است با استفاده از اطلاعات تاریخی در طول یک دوره شش ساله محاسبه می‌شود.

مدل رگرسیون برای آزمون **فرضیه‌های تحقیق** به صورت مدل شماره‌ی (۵) تدوین شده است:

$$ASY_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 SysRisk_{i,t} + \beta_2 RETURN_{it} + \beta_3 DACC_{it} + \beta_4 DACC * EU_{it} + \beta_5 EU_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \varepsilon_{it} \quad (5)$$

متغیرهای استفاده شده در مدل (۵) به شرح زیر توضیح داده می شود:

ASY: (متغیر وابسته) نشانگر عدم تقارن اطلاعاتی؛

SysRisk: (متغیر کنترلی) نشانگر ریسک سیستماتیک است و به بتا معروف می باشد (نحوه اندازه گیری این متغیر در ادامه بیان می شود)؛

RETURN: (متغیر کنترلی) نشانگر بازده سهام است (نحوه اندازه گیری بازده سهام در ادامه بیان می شود)؛

DACC: (متغیر مستقل) بیانگر اقدام تعهدی اختیاری سود و شاخص مدیریت سود است؛

EU: (متغیر تعدیل کننده) بیانگر عدم اطمینان محیطی است؛

SIZE: (متغیر کنترلی) اندازه شرکت است. (از طریق لگاریتم جمع کل دارایی های شرکت به دست می آید) و

ε: مقدار خطای قابل برآورد در مدل است.

برای محاسبه ی ریسک سیستماتیک (SysRisk) از رابطه ی (۶) استفاده شده است:

$$SysRisk = \frac{Cov(R_i, R_m)}{\sigma^2(R_m)} \quad (۶)$$

که در رابطه (۶):

SysRisk = ریسک سیستماتیک سهام عادی؛

$R_i$  = نرخ بازده سهام عادی شرکت  $i$  و

$R_m$  = نرخ بازده پرتفوی بازار (شاخص کل سهام بورس) است.

بازده سهام به صورت زیر قابل محاسبه است:

$$ERTURN_{i,t} = \frac{P_1 + D - P_0}{P_0}$$

که در رابطه (۷):

RETURN: نشانگر بازده واقعی  $i$  امین سهم در سال  $t$ ؛

$P_1$ : نشانگر قیمت سهام شرکت در پایان سال  $t$ ،

$P_0$ : نشانگر قیمت سهام شرکت در ابتدای سال  $t$  و

$D$ : نشان دهنده ی سود سهام نقدی می باشد.

مدل (۵) توسط کارمیر، هول و لیداکس (۲۰۱۳) معرفی و به کار گرفته شد. پس از برآورد مدل رگرسیون چنانچه ضریب شاخص مدیریت سود  $\beta_3$  از نظر آماری معنادار باشد، فرضیه ی اول مورد تایید قرار می گیرد. انتظار بر این است که ضریب مزبور مثبت باشد زیرا، با افزایش مدیریت و دستکاری در سود اطلاعات آگاهی دهنده در سود کم می شود و عملکرد واقعی شرکت به سرعت در اختیار همه ی کاربران قرار نمی گیرد و در نتیجه بین سهامداران عدم تقارن اطلاعاتی ایجاد می شود. همچنین، چنانچه ضریب شاخص مدیریت سود و عدم اطمینان محیطی  $\beta_4$  از نظر آماری معنادار باشد، فرضیه ی دوم مورد

تایید قرار می‌گیرد. زیرا، انتظار بر این است که با افزایش عدم اطمینان در شرکت (نوسان بالای درآمد)، مدیریت تلاش کند که قابلیت پیش بینی سود را از طریق مدیریت بیشتر سود، در نظر سهامداران افزایش دهد. این امر منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین سهامداران می‌شود. لذا انتظار بر این است که ضریب  $\beta_4$  از نظر آماری مثبت و معنادار و از ضریب  $\beta_3$  کمتر باشد.

## ۷- جامعه و نمونه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری تحقیق، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از ابتدای سال ۱۳۸۶ تا پایان سال ۱۳۹۱ به مدت ۶ سال بوده است که در طی این دوره عضویت خود را در بورس اوراق بهادار حفظ کرده‌اند. برای دستیابی به نتایج قابل اتکا، شرکت‌هایی که پس از سال ۱۳۸۶ وارد بورس شده یا در طی دوره‌ی تحقیق از بورس خارج شده‌اند در جامعه‌ی آماری قرار نگرفتند. افزون بر این، به منظور افزایش قابلیت مقایسه‌ی داده‌های تحقیق، جامعه‌ی آماری با استفاده از شرایط زیر تعدیل شده است:

- (۱) نمونه شامل شرکت‌های از نوع تامین کننده‌ی مالی، سرمایه‌گذاری و بیمه‌ای نباشد.
- (۲) شرکت‌های نمونه دارای سال مالی منتهی به پایان سال تقویمی (۲۹ اسفند) باشند.
- (۳) داده‌های متغیرهای تحقیق برای شرکت‌های مورد نظر برای کل دوره‌ی زمانی قابل دسترس باشد.

با توجه به این محدودیت‌ها، ۱۴۲ شرکت شرایط حضور در جامعه‌ی آماری را داشته‌اند. همه‌ی شرکت‌هایی که شرایط مورد بررسی در جامعه‌ی آماری را داشته‌اند، برای آزمون فرضیه‌ها در نظر گرفته شده و از نمونه‌گیری استفاده نشده است.

## ۸- یافته‌های تحقیق

### ۸-۱- آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

به منظور شناخت بهتر جامعه‌ی مورد تحقیق و آشنایی بیشتر با متغیرهای تحقیق، قبل از تجزیه و تحلیل داده‌های آماری، لازم است این داده‌ها توصیف شوند. توصیف آماری داده‌ها، گامی در جهت تشخیص الگوی حاکم بر آن‌ها و پایه‌ای برای تبیین روابط بین متغیرهایی است که در تحقیق به کار می‌رود. آمار توصیفی متغیرهای مورد استفاده در تحقیق در جدول شماره‌ی (۱) ارائه شده است. آماره‌های توصیفی شمایی کلی از داده‌های تحقیق ارائه می‌کند. در خصوص متغیر بازده سهام ملاحظه می‌شود که اندازه‌ی این متغیر به طور متوسط در بین کل داده‌های تحقیق معادل ۰/۲۱۲ بوده و میانه‌ی آن ۰/۲۲۹ است. این مقدار نشان می‌دهد که حدوداً نیمی از داده‌ها بیشتر از این مقدار و نیمی دیگر کمتر از آن است. همچنین، داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که بیشترین بازده سالانه ۰/۶۶۲ و کمترین آن ۰/۳۸۲- بوده است. بقیه‌ی داده‌ها نیز به این شکل قابل تفسیر است.

## ۸-۲- گزینش مدل مناسب در داده‌های ترکیبی

در این تحقیق، ارزش کمی متغیرهای مستقل و وابسته از یک سو، مربوط به شرکت‌های مختلف بوده (N=۱۴۲) و از سوی دیگر، دوره‌ی زمانی ۱۳۹۱-۱۳۸۶ (T=۶) را در بر می‌گیرد. در چنین حالتی، تعداد مشاهدات ترکیبی تحقیق، ۸۵۲ سال- شرکت می‌باشد. این روش که به روش داده‌های مقطعی- سری زمانی<sup>۲۹</sup> نیز معروف است، به شکل‌های مختلف انجام شده و مدل‌های متنوعی دارد که با توجه به شرایط تحقیق یکی از آن‌ها استفاده شده است. برای انتخاب مدل مناسب با شرایط تحقیق، از آزمون‌های F مقید (چاو) و هاسمن استفاده شده است. آزمون چاو برای انتخاب مدل مناسب از بین روش‌های پانل (Panel) و داده‌های یکپارچه شده (Pooled) به کار می‌رود. نتایج آزمون چاو و هاسمن در جدول شماره‌ی (۲) ارائه شده است.

جدول (۱) - نتایج آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	میان‌ه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
عدم تقارن اطلاعاتی	۰/۱۸۹۱	۰/۱۶۲۷	۰/۴۸۲۹	۰/۰۱۰۴	۰/۰۷۸۳
ریسک سیستماتیک	۰/۰۹۸۳	۰/۱۱۲۰	۲/۱۶۴۷	۰/۰۰۸۷	۰/۲۸۲۳
بازده سهام	۰/۲۱۲۸	۰/۲۲۹۲	۰/۶۶۲۹	-۰/۳۸۲۹	۰/۱۲۷۴
اقدام تعهدی اختیاری	۰/۱۸۹۱	۰/۱۶۷۸	۰/۶۴۲۳	-۰/۱۴۶۳	۰/۰۹۶۷
عدم اطمینان محیطی	۰/۴۱۳۶	۰/۳۸۲۹	۰/۷۳۲۶	-۰/۱۲۸۸	۰/۱۰۸۹
اندازه شرکت	۵/۷۲۸۳	۵/۵۱۲۹	۷/۶۹۳۶	۴/۱۷۲۸	۱/۴۳۸۲

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول (۲) - نتایج آزمون‌های چاو و هاسمن

نوع آزمون	آماره‌ی آزمون	p-value	نتیجه آزمون
آزمون چاو	۲/۳۶۵۸	۰/۰۰۳۹	انجام آزمون هاسمن
آزمون هاسمن	۱/۱۰۷۶	۰/۳۸۹۴	مدل اثرات تصادفی

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همان‌طور که مشاهده می‌شود، نتایج آزمون چاو نشان داد که روش تخمین داده‌های ترکیبی (تلفیقی) مناسب نیست و باید از داده‌های تابلویی استفاده کرد. لذا، آزمون هاسمن برای انتخاب از بین روش‌های اثرات ثابت و تصادفی انجام شده است. نتایج آزمون هاسمن نیز بیان می‌کند که روش اثرات تصادفی برای آزمون مدل تحقیق، مناسب‌تر است.

### ۸-۳) آزمون‌های فروض مدل رگرسیون

پیش از آن که مدل مربوط به آزمون فرضیه‌ها، برآورد شود لازم است تا فرض‌های مربوط به مدل رگرسیون مورد آزمون قرار گیرند. این فرض‌ها عبارتند از ۱- نرمال بودن باقی‌مانده‌های مدل، ۲- همسانی واریانس باقی‌مانده‌ها، ۳- عدم هم خطی متغیرهای توضیحی و ۴- عدم خود همبستگی اجزای خطا. نتایج حاصل از آزمون نرمال بودن و همسانی واریانس باقی‌مانده‌های مدل تحقیق در جدول شماره‌ی (۳) ارائه شده است.

جدول (۳) - نتایج آزمون نرمال بودن و همسانی واریانس باقیمانده‌های مدل رگرسیون

۴/۲۸۹۱	آماره F	آزمون وایت
۰/۱۸۶۵	p-value	
۳۳۹/۱۸۱۲	آماره ضرایب لاگرانژ	
۰/۱۴۲۷	p-value	
۰/۳۹۸۱	ضریب تعیین	
۸۵۲	تعداد مشاهدات	
۴/۱۹۰۳	آماره آزمون JB	
۰/۲۱۶۵	p-value	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همان‌طور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود آماره‌های آزمون نرمال بودن<sup>۲۱</sup> و همسانی واریانس<sup>۲۲</sup> و سطح معناداری آن‌ها فرض صفر این آزمون‌ها مبنی بر نرمال بودن و یا همسانی واریانس را تایید کرده‌اند. به بیان دیگر، باقی‌مانده‌های حاصل از تخمین مدل تحقیق، دارای توزیع نرمال و واریانس ثابت بوده است. در ارتباط با عدم همخطی متغیرهای مستقل نیز باید بیان نمود که با توجه به ضرایب همبستگی ارائه شده در جدول شماره‌ی (۴)، برای همبستگی بین متغیرهای توضیحی مدل تحقیق مقادیر بزرگی حاصل نشده است. کوچک بودن این ضرایب حاکی از عدم وجود همخطی بین متغیرهای توضیحی در مدل است (افلاطونی و نیک‌بخت، ۱۳۸۹).

برای بررسی خود همبستگی باقی‌مانده‌های مدل رگرسیون از آزمون دوربین واتسون استفاده شده است. نتایج این آزمون همزمان با تخمین مدل رگرسیون در فضای نرم افزار ایویوز به دست می‌آید. میزان مطلوب آن برای عدم وجود خود همبستگی ۲ می‌باشد. اگر مقدار این آماره بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد، خود همبستگی در مقادیر خطای مدل رد می‌شود. آماره‌ی آزمون دوربین واتسون مدل رگرسیون معادل ۲/۱۸۷ (جدول شماره‌ی ۵) می‌باشد. با توجه به میزان آماره‌ی دوربین واتسون حاصل شده وجود خود همبستگی در مقادیر خطای مدل نیز رد می‌شود.

پس از بررسی فرض‌های چهارگانه‌ی مربوط به مدل رگرسیون و اطمینان از مطلوب بودن مدل، نتایج مربوط به تخمین مدل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول (۴) - ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای تحقیق

SIZE	EU	DACC	RETURN	SysRisk	ASY	
					۱	ASY
				۱	۰/۱۴	SysRisk
			۱	۰/۰۲	۰/۰۸	RETURN
		۱	۰/۱۴	۰/۲۲	۰/۰۳	DACC
	۱	۰/۱۸	۰/۲۱	۰/۱۸	۰/۲۶	EU
۱	۰/۰۰	۰/۳۳	۰/۱۹	۰/۲۸	-۰/۳۲	SIZE

\* خانه‌های رنگ شده نشان دهنده‌ی معنی‌داری در سطح ۱٪ و ۵٪ است.

منبع: یافته‌های پژوهشگر

#### ۴-۸- برآورد مدل رگرسیون و آزمون فرضیه‌ها

نتایج برآورد مدل تحقیق به وسیله‌ی رگرسیون حداقل مربعات معمولی در جدول شماره‌ی (۵) ارائه شده است. طبق نتایج تخمین مدل تحقیق به صورت ترکیب کل داده‌ها آماره‌ی F (فیشر) در سطح خطای ۱٪ معنی‌دار است. لذا، مدل تحقیق با اطمینان ۹۹٪ در کل معنادار است. ضریب تعیین تعدیل شده حاصل از آزمون مدل تحقیق ( $Adj R^2$ ) معادل ۰/۳۹ می‌باشد. به بیان دیگر، ۳۹ درصد از تغییرات عدم تقارن اطلاعاتی (متغیر وابسته) ناشی از تغییرات در متغیرهای توضیحی بوده و ۶۱ درصد دیگر تغییرات آن ناشی از سایر عوامل است. برای بررسی ارتباط معنادار بین تک تک متغیرهای مستقل با متغیر وابسته، از مقادیر حاصل شده برای آماره‌ی t و میزان سطح معناداری مربوط به آن استفاده می‌شود.

همان‌گونه که در جدول شماره‌ی (۵) مشاهده می‌شود، آماره‌ی t مربوط به متغیر مستقل اول یعنی شاخص مدیریت سود ( $\beta_3$ ) در سطح خطای ۱٪، معنی‌دار بوده است. بنابراین، نتایج تحقیق بیانگر عدم رد فرضیه‌ی اول بوده است. به بیان دیگر، بین اقلام تعهدی اختیاری به عنوان شاخص مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی، از نظر آماری ارتباط معناداری برقرار است.

نتایج مربوط به متغیر مستقل دوم (متغیر تعدیل‌گر عدم اطمینان محیطی و متغیر مدیریت سود  $\beta_4$ ) نشان می‌دهد که آماره‌ی t آزمون مدل، در سطح خطای ۵٪ معنی‌دار بوده و مقدار ضریب این متغیر (۰/۰۸۲) کمتر از ضریب متغیر مدیریت سود به تنهایی (۰/۴۲۰) است. این مقادیر نشان می‌دهد که با اضافه شدن متغیر عدم اطمینان محیطی (ضریب تغییرات فروش) به مدل، شدت ارتباط بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی کاهش یافته است. بنابراین، نتایج تحقیق بیانگر تایید فرضیه‌ی دوم می‌باشد.



یکی از متغیرهای اثرگذار بر عدم تقارن اطلاعاتی که به عنوان متغیر کنترلی در مدل رگرسیون تحقیق استفاده شد، اندازه‌ی شرکت است. نتایج حاصل از تخمین مدل تحقیق نشان داد که اندازه‌ی شرکت با اطمینان ۹۹٪ با عدم تقارن اطلاعاتی رابطه‌ی منفی معنادار دارد. یعنی، در شرکت‌های بزرگ‌تر، عدم تقارن اطلاعاتی کمتری ایجاد می‌شود. نتایج تحقیق کارمیر، هول و لیداکس (۲۰۱۳) نیز نشان داد که شرکت‌های با اندازه‌ی بزرگتر، عدم تقارن اطلاعاتی کمتری دارند. همچنین، سایر متغیرهای کنترلی، یعنی ریسک سیستماتیک و بازده سهام با عدم تقارن اطلاعاتی ارتباط مثبت معنادار داشته‌اند.

جدول (۵) - نتایج آزمون مدل تحقیق در سطح داده‌های ترکیبی

t-static	ضریب	شرح
-۴/۲۸۴۴	-۰/۰۸۶۹**	$\beta_0$ عرض از مبدا
۲/۳۹۲۷	۰/۰۴۷۱*	$\beta_1$ SysRisk
۴/۶۹۹۱	۰/۲۱۳۷**	$\beta_2$ RETURN
۳/۹۳۸۸	۰/۴۲۰۸**	$\beta_3$ DACC
۳/۴۳۰۹	۰/۰۸۲۶*	$\beta_4$ DACC* EU
۲/۶۷۶۹	۰/۲۸۱۰*	$\beta_5$ EU
-۸/۲۹۷۲	-۰/۰۸۶۶**	$\beta_6$ SIZE
	۰/۴۱۲۰	R <sup>2</sup>
	۰/۳۹۸۱	Adj R <sup>2</sup>
	۴/۸۲۷۹**	F-static
	۲/۱۸۷۳	D-W

متغیر وابسته‌ی مدل: عدم تقارن اطلاعاتی (ASY)

\*\* بیانگر معناداری در سطح خطای ۱٪ و \* بیانگر معناداری در سطح خطای ۵٪ می‌باشد.

منبع: یافته‌های پژوهشگر

## ۹- بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق رابطه‌ی بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی و همچنین اثر عدم اطمینان محیطی بر رابطه‌ی مزبور بررسی شد. نتایج تحقیق در سطح خطای یک درصد بیانگر تایید فرضیه‌ی اول بوده است. به بیان دیگر، مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با عدم تقارن اطلاعاتی رابطه‌ی مثبت معناداری دارد. زمانی که اطلاعاتی غیر شفاف در اختیار سهامداران قرار بگیرد و سرمایه‌گذاران از نیت مدیریت به درستی آگاه نشوند (یعنی زمانی که عدم تقارن اطلاعاتی وجود داشته باشد)، مدیریت سود به صورت فرصت‌طلبانه اعمال می‌شود. این موضوع، سبب می‌شود که سهامداران از اطلاعات داخلی شرکت آگاهی کمتری داشته باشند و عدم تقارن اطلاعاتی ایجاد شود. نتایج یافته‌های مربوط به این

فرضیه با نتایج تحقیق‌های باچتیار (۲۰۰۸)، کارمیر و لیدوکس (۲۰۱۲) و کارمیر، هول و لیداکس (۲۰۱۳) همخوانی دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی دوم نیز در سطح خطای پنج درصد بیانگر تایید این فرضیه بوده است. بر این اساس، مشاهده شد که ارتباط مستقیم مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با اضافه شدن متغیر عدم اطمینان محیطی همچنان برقرار بوده، اما از شدت ارتباط کاسته می‌شود. لذا، می‌توان ادعا نمود که در یک محیط با عدم اطمینان بالاتر (نوسان بیشتر درآمد فروش) مدیریت با دستکاری و هموارسازی سود قصد دارد تا قابلیت پیش بینی سود را برای سرمایه‌گذاران افزایش دهد. زیرا، سودهایی که نوسان کمتری دارند، قابلیت پیش بینی اطلاعات مالی آینده را افزایش می‌دهند. این امر خود سبب عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود اما، به دلیل تلاش مدیریت در جهت ارائه‌ی اطلاعات قابل اتکا، عدم تقارن اطلاعاتی کمتر از میزان آن در شرایط عادی است. نتایج یافته‌های مربوط به آزمون این فرضیه با نتایج تحقیق کارمیر، هول و لیداکس (۲۰۱۳) مشابهت دارد.

محدودیت‌هایی نیز در مسیر تحقیق وجود داشته است. یکی از این محدودیت‌ها، عدم کنترل بعضی از عوامل موثر بر نتایج تحقیق از جمله تاثیر متغیرهایی مانند عوامل اقتصادی، شرایط سیاسی، وضعیت اقتصاد جهانی، قوانین و مقررات و... است که خارج از دسترس محقق بوده و ممکن است بر بررسی روابط اثرگذار باشد. محدودیت دیگر، عدم تعدیل ارقام صورت‌های مالی به واسطه‌ی وجود تورم است که می‌تواند بر نتایج تحقیق موثر باشد.

با توجه به مبانی نظری و نتایج تحقیق، پیشنهاد می‌شود سازمان بورس اوراق بهادار و سازمان حسابرسی مقررات و استانداردهایی برای کنترل هر چه بهتر رفتار مدیریت شرکت‌ها در انتخاب روش‌های متعدد حسابداری و مقررات دولتی که می‌تواند منجر به دستکاری و ارائه‌ی غیر واقعی سود شود، تدوین کنند. در فرآیند تدوین استانداردهای حسابداری در ایران توسط سازمان حسابرسی، ادبیات و تعریف شفاف‌ی از مدیریت سود ارائه نشده است. همچنین، به حساب‌رسان مستقل و سازمان حسابرسی پیشنهاد می‌شود که تدابیر بیشتری در خصوص میزان و نحوه‌ی افشای اطلاعات مالی و غیر مالی شرکت‌ها که خود عاملی جهت کاهش عدم تقارن اطلاعاتی است، بیاندیشند.

با توجه به نتایج حاصل شده از تحقیق، انجام تحقیق‌هایی به شرح زیر در آینده پیشنهاد می‌شود:

- الف) بررسی تاثیر مدیریت سود بر عدم تقارن اطلاعاتی و مقایسه‌ی رابطه‌ی مزبور در صنایع مختلف.
- ب) بررسی تاثیر عدم اطمینان محیطی بر رابطه‌ی بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی به کمک شاخص نوسان سود برای عدم اطمینان و مقایسه با نتایج تحقیق حاضر.
- ج) بررسی تاثیر سایر متغیرها مانند کیفیت افشا و کیفیت حسابداری بر رابطه‌ی بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی.

### فهرست منابع

- ۱) افلاطونی، عباس و لیلی نیکبخت، (۱۳۸۹)، "اقتصاد سنجی در حسابداری و اقتصاد"، انتشارات ترمه، چاپ اول، تهران.
- ۲) خدایمی پور، احمد و محمد قدیری، (۱۳۸۹)، "بررسی رابطه میان اقلام تعهدی و عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، شماره ۵۹، صص ۲۹-۱.
- ۳) رحیمیان، نظام الدین، همتی، حسن و ملیحه سلیمانی فرد، (۱۳۹۱)، "بررسی ارتباط بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله دانش حسابداری، شماره ۱۰، صص ۱۵۷-۱۸۱.
- ۴) سمائی، حسین و مجید شریعت پناهی، (۱۳۸۳)، "هموارسازی سود و بازده تعدیل شده براساس ریسک"، ماهنامه‌ی تدبیر، شماره ۱۴۶، صص ۶۳-۵۶.
- ۵) کاشانی پور، محمد و مهدی یعقوبی، (۱۳۸۵)، "مدیریت سود و امنیت شغلی"، پژوهشنامه‌ی علوم انسانی و اجتماعی، شماره ۲۱، صص ۱۰۴-۸۳.
- ۶) نوروش، ایرج، سحر سیاسی و محمدرضا نیکبخت، (۱۳۸۴)، "بررسی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران"، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۲، صص ۵۲-۳۸.
- 7) Bhattacharya, N., Desai, H, and Venkataraman, K ,(2012), "Does Earnings Quality Affect Information Asymmetry? Evidences from Trading Costs". Contemporary Accounting Research, No 191, PP. 184-207.
- 8) Cormier, D., and Ledoux, M ,(2012), "Performance Reporting by Oil and Gas Firms: Contractual and Value Implications". Journal of International Accounting, Auditing & Taxation, No 11, PP. 131-153.
- 9) Cormier, D, Houle, S and Ledoux, M ,(2013), "The Incidence of Earnings Management on Information Asymmetry in an Uncertain Environment: Some Canadian Evidence". Journal of International Accounting, Auditing and Taxation. No 22, PP. 26-38.
- 10) Defond, T and Jiambalvo, S ,(2006), "Debt Covenant Violation and Manipulation of Accruals". Journal of Accounting and Economics, No 17, PP.145-176.
- 11) Habib, A ,(2004), "Impact of Earnings Management on Value-Relevance of Accounting Information". Journal of Managerial Finance. No 11, PP. 1-15.
- 12) Habib, A, Hossain, M, and Jiang, H ,(2011), "Environmental Uncertainty and Market Pricing of Earnings Smoothness", Advances in International Accounting, No 32, PP. 11-40.
- 13) Jones, S ,(1991), "Earnings Management During Import Relief Investigations". Journal of Accounting Research, No 29, PP. 193-228.
- 14) Lim, C. Y., Ding, D. K., and Thong, T. Y ,(2008), "Firm Diversification and Earnings Management: Evidence from Seasoned Equity Offerings". Review of Quantitative Finance and Accounting, No 30, PP. 69-92.
- 15) Trueman, B and Titman, S ,(1988), "An Explanation for Accounting Income Smoothing". Journal of Accounting Research, No 26, PP. 127-139.
- 16) Schipper J ,(1989), "Earning Management". Accounting Horizons, No 21, PP. 91-108.
- 17) Ujah, N and Brusa, J ,(2011), "Earnings Management, Financial Leverage, and Cash Flow Volatility: Do Economic Conditions Matter?", Online, www.ssrn.com.
- 18) Xie, H ,(2001), "The Mispricing of Abnormal Accruals". The Accounting Review, No 76, PP. 357-382.

1. Habib
2. Earnings Management
3. Ujah and Brusa
4. Hepworth
5. Defound and Jiambalvo
6. Schipper
7. Habib
8. Information Asymmetry
9. Cormier, Houle and Ledoux
10. Batacharia et al
11. Trueman and Titman
12. xie
13. Environmental uncertainty
14. Habib et al
15. Lim, Ding and Thong
16. Bachtiar
17. Habib et al
18. Cormier and Ledoux
19. Cormier, Houle and Ledoux
20. www.rdis.ir
21. Multiple Regression
22. Pooled Data Approach
23. Restricted F-test
24. Hausman test
25. Kothari, Leone and Wasley
26. ASK Price
27. BID Price
28. Bergh and Lawless
29. Time Series-Cross Section Data



## شناسایی علائم هشداردهنده وجود مشکلات کنترل داخلی در موسسات غیرانتفاعی

اسفندیار ملکیان<sup>۱</sup>

اسماعیل توکل نیا<sup>۲</sup>

منصور خواجه‌وند<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۲۷

### چکیده

موسسات غیرانتفاعی سهام صادر نمی‌کنند و مأموریت آنها حداکثرسازی سود نیست. درحالی که مدیران موسسات غیرانتفاعی با مسئله پاسخگویی به سهامداران مواجه نیستند، آنان باید به اهداکنندگان و کمک‌کنندگان که منبع مهم سرمایه‌اند، پاسخگو باشند. این کمک‌کنندگان و اهداکنندگان منابع نامحدود ندارند و بنابراین موسسات غیرانتفاعی باید برای جذب سرمایه رقابت نمایند. اگر موسسه‌ای کنترل داخلی نامطلوبی داشته باشد، اهداکنندگان و کمک‌کنندگان می‌توانند به حمایت موسسه‌ای دیگر بپردازند، جایی که احتمال می‌رود استفاده کارآمدتری از سرمایه شود. هدف اصلی این مطالعه، شناسایی علائم هشداردهنده وجود مشکلات کنترل داخلی در موسسات غیرانتفاعی است. نمونه نهایی مورد استفاده برای این مطالعه شامل ۱۶۲ عضو جامعه حسابداران رسمی ایران می‌باشد. همچنین به‌منظور گردآوری داده‌ها، از پرسشنامه استفاده شده است. به‌منظور پردازش داده‌ها، از آمار توصیفی و آزمون فریدمن استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که از نظر اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران، پیچیدگی سازمانی، وجود کسری، انتقال‌گیرنده جدید بودن، خطر تداوم فعالیت، سطح ریسک و کوچک بودن موسسه حسابرسی‌کننده سال گذشته، از علائم بااهمیت وجود نقاط ضعف در سیستم کنترل داخلی موسسات غیرانتفاعی قلمداد می‌شوند.

**واژه‌های کلیدی:** کنترل داخلی، مشکلات کنترل داخلی، موسسات غیرانتفاعی، اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران.

۱- دانشیار حسابداری دانشگاه مازندران، نویسنده اصلی. E\_Malekian35@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه مازندران، مسئول مکاتبات.

۳- کارشناس ارشد حسابرسی دانشگاه علامه طباطبائی.

## ۱- مقدمه

بخش غیرانتفاعی دارای سهمی بزرگ در اقتصاد ایالات متحده است. موسسات غیرانتفاعی بیش از ۳۴۰۰ میلیارد دلار دارایی تحت کنترل خود دارند و کمک‌های خیریه به این موسسات حدود ۲۵۹ میلیارد دلار تخمین زده شده است که ۲/۲ درصد از تولید ناخالص ملی ایالات متحده در سال ۲۰۰۶ می‌باشد (وینگ<sup>۱</sup> و همکاران ۲۰۰۸). باتوجه به رسوایی‌هایی که در سال‌های اخیر برای موسسات غیرانتفاعی ایالات متحده به‌وقوع پیوسته، کنترل داخلی این موسسات اهمیت بالاتری پیدا کرده است. از جمله این موارد می‌توان به رسوایی‌های صلیب سرخ<sup>۲</sup> ایالات متحده و موسسه یونایتد وی<sup>۳</sup>، اشاره کرد. بر اساس مقاله منتشر شده در روزنامه نیویورک تایمز<sup>۴</sup> به قلم استرم و رابرتسن<sup>۵</sup> (۲۰۰۵)، پس از توفان کاترینا<sup>۶</sup>، صلیب سرخ ایالات متحده، متهم شد که بیش از یک میلیارد دلار کمک جمع‌آوری کرده است، در حالی که این مبلغ، بیش از نیاز بوده و به‌طور مناسب، مصرف نشده است و قربانیان، شاکی از عدم تمایل صلیب سرخ به تقسیم وجوه بین آن‌ها بوده‌اند. موسسه یونایتد وی نیز از اوایل دهه ۱۹۹۰ تا اوایل دهه ۲۰۰۰، تحت انتقاد شدید بود. علت این انتقادهای، متهم‌شدن تعداد زیادی از مدیران رده بالای آن در سال ۱۹۹۲، به دریافت حقوق بیش از حد و اسراف منابع بوده است. به عنوان نمونه، رئیس وقت یونایتد وی، ویلیام آرامونی<sup>۷</sup>، متهم به دریافت ۴۳۶ هزار دلار بابت حقوق و مزایا شد. همچنین رالف دیکرسن جونیور<sup>۸</sup>، مدیر اجرایی یونایتد وی شهر نیویورک، در آپارتمانی اجاره‌ای با هزینه ۴۷۰۰ دلار در ماه اقامت داشت که این مبلغ توسط کارفرمای وی پرداخت می‌شد. در نتیجه، اهداکنندگان دیگر به این موسسه اعتماد نداشتند و کمک‌های مالی خود را به سمت موسسات با ثبات‌تر و امین‌تر، روانه نمودند (بوتگلیری<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۱۱).

در ایران نیز موسسات غیرانتفاعی، رشد فراگیری داشته‌اند و لذا ضروری است در مورد کنترل داخلی این موسسات، تحقیقات بیشتری صورت گیرد، مشخصات کنترل داخلی قوی معین گردد و علل و عواقب مشکلات کنترل داخلی، بررسی شود. البته گفتنی است که توجه عمومی به وظایف و مسئولیت‌های موسسات غیرانتفاعی و همچنین خطراتی که این موسسات را تهدید می‌کند، بسیار اندک بوده است. کافی است که در رایانه شخصی خود واژه موسسه غیرانتفاعی را وارد کرده و منتظر بمانید تا نتایج جستجوی اینترنتی نمایش داده شود، آنگاه با توده‌ای از اطلاعات راجع به موسسات آموزش عالی، ثبت نام و مطالبی از این دست، روبرو می‌شوید که به‌واقع بی‌توجهی عمومی به وظایف انواع موسسات غیرانتفاعی را نشان می‌دهد. کمیته امداد امام (ره) یکی از موسسات غیرانتفاعی است که در ایران شکل گرفته و هدف آن یاری نمودن محرومان و مستضعفان، امداد درمان‌دگان و آسیب‌دیدگان و خودکفکردن محرومان، عنوان شده است.

سیستم کنترل داخلی، به‌منظور مساعدت به مدیریت برای دستیابی به اهداف سازمان و نتایج مطلوب، طراحی شده است (کنهال<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۳). با توجه به راهبرد واحد تجاری، کنترل‌های داخلی در راههای گوناگونی به‌کار می‌روند (میلر و دروگ<sup>۱۱</sup>، ۱۹۸۶). تعاریف مطرح در مورد سیستم‌های کنترل داخلی، آشکار می‌سازد که این سیستم‌ها، اساساً از کنترل‌های مدیریت متمایز نیستند (چامبرز<sup>۱۲</sup> و همکاران، ۱۹۸۷). هرگاه اندازه سازمانی گسترش یابد، فرآیندهای کنترلی آن نیز تخصصی‌تر، مشکل‌تر و پیچیده‌تر می‌شوند (هوک و جمز<sup>۱۳</sup>،

۲۰۰۰). همچنین، اعتقاد بر این است که سیستم کنترل داخلی، ریسک‌ها را کاهش می‌دهد و در اطمینان-دهی از قابلیت اعتماد صورت‌های مالی و انطباق با قوانین و مقررات، به مدیریت کمک می‌کند (اسپیرا و پیچ<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۳). شرکت‌ها به‌منظور اطمینان از کارایی و بهره‌وری فعالیت‌ها، قابلیت اعتماد اطلاعات و مطابقت با قوانین اجرایی، به کنترل داخلی مناسب و کافی نیاز دارند (جوکیپی<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۹). بنابراین، می‌توان کنترل داخلی را سیستمی دانست که در راستای بهبود دستیابی موسسه به اهداف تعیین شده، تدارک دیده می‌شود و به واقع، به دنبال این هدف است. حسابرسی کنترل داخلی برای بخش غیرانتفاعی، مبحثی جدید نیست، بلکه سازمان‌هایی که از دولت فدرال ایالات متحده و جوهری را دریافت می‌کنند، از سال ۱۹۹۰، هدف بررسی‌های کنترل داخلی بوده‌اند. اما به هر حال، بخش غیرانتفاعی توجه زیادی را معطوف به موضوع کنترل داخلی نکرده است. مخالفان افزایش مقررات، اینچنین استدلال می‌کنند که اکثر اهداکنندگان، از اطلاعات مالی تفصیلی برای تصمیم‌گیری استفاده نمی‌کنند و اینکه موسسات غیرانتفاعی، بودجه کافی برای مطابقت با قوانین سنگین را ندارند (برای نمونه ابروین<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۵؛ مولیگان<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۷).

موسسات غیرانتفاعی در اندازه و حوزه فعالیت، متفاوتند ولی همگی آن‌ها، به‌طور مشترک به کنترل داخلی جهت کمک به دستیابی به اهداف خود نیاز دارند. موسسات غیرانتفاعی، سهام صادر نمی‌کنند و مأموریت آن‌ها حداکثرسازی سود نیست. حال که مدیران غیرانتفاعی‌ها با مسئله پاسخگویی به سهامداران مواجه نیستند، باید به اهداکنندگان و کمک‌کنندگان که منبع مهم سرمایه‌اند، پاسخگو باشند. این کمک-کنندگان و اهداکنندگان، منابع نامحدود ندارند و بنابراین، موسسات غیرانتفاعی باید برای جذب سرمایه، رقابت نمایند.

### ۱-۱- اهمیت کنترل داخلی برای موسسات غیرانتفاعی

کنترل داخلی، فرآیندی است که به‌وسیله مدیریت و سایر کارکنان، طراحی و اجرا می‌شود تا از دستیابی به هدف‌های واحد مورد رسیدگی در زمینه اعتمادپذیری گزارشگری مالی، اثربخشی و کارایی عملیات و رعایت قوانین و مقررات مربوط، اطمینانی معقول به‌دست آید (رحیمیان و توکل‌نیا، ۱۳۹۱). سازمان‌های غیرانتفاعی، سازمان‌هایی رسمی هستند که هدف اصلی آن‌ها، پشتیبانی از یک مورد یا موضوع خاص یا همگانی، بدون داشتن مقاصد تجاری در کنار آن است. سازمان‌های غیرانتفاعی، بیشتر در جهت خدمات اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، مذهبی یا عمومی، شکل گرفته‌اند. تصور غلط رایج در مورد سازمان‌های غیرانتفاعی این است که آن‌ها، به دنبال سودآوری نیستند. آن‌ها از دیدگاه اساسنامه‌ای، موسسه‌ای بدون سهامدارند، یعنی همانند شرکت‌های انتفاعی به دنبال سودآوری برای تقسیم بین سهامداران نیستند، اما به‌منظور بهبود برنامه‌ها و موقعیت مستحکم آتی، امید به کسب سود (مازاد درآمد بر هزینه) دارند. سودآوری، بیشتر به معنای اتکای کمتر به سرمایه‌گذاری برون سازمانی است. هیچ یک از افرادی که در این سازمان‌ها کار می‌کنند، به‌طور خاص، از کسب سود (مازاد درآمد بر هزینه) توسط موسسه، منتفع نمی‌شوند. افرادی که در موسسات غیرانتفاعی فعالیت می‌کنند را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

- آن‌هایی که به‌صورت موظف و با حقوق‌های مرسوم و تعریف‌شده و بدون پاداش‌های غیرمرسوم، کار می‌کنند.
  - آن‌هایی که به‌صورت قراردادهای کوچک محدود و با دریافتی‌های مشخص و مرسوم، کار می‌کنند.
  - آن‌هایی که به‌صورت داوطلبانه، بدون دریافت هیچ‌گونه درآمد، به فعالیت می‌پردازند.
  - ازجمله نتایج فرآیند کنترل داخلی در موسسات غیرانتفاعی را می‌توان، استفاده موثر از منابع و پاسخ‌گویی مالی مطلوب دانست. در حالی که دلایل بسیار فراوانی در مورد اینکه چرا یک موسسه باید کنترل داخلی را به اجرا درآورد، وجود دارد، با کمک بررسی‌های جمیل<sup>۱۸</sup> (۲۰۱۰) می‌توان گفت که قانع‌کننده‌ترین دلیل، اطمینان‌دهی به اهداکنندگان و اعضای هیئت مدیره درباره موارد زیر است:
  - پاسخگویی: منابع، مطابق با قراردادهای کمک‌های بلاعوض، قوانین، مقررات و سیاست‌ها، مورد استفاده قرار می‌گیرند. همچنین گزارشگری به‌صورت قابل اتکا انجام می‌گردد و داده‌ها به‌طور مناسب و طبق دستورالعمل‌ها، جمع‌آوری، ذخیره و طبقه‌بندی می‌شوند.
  - پیشگیری از تقلب: منابع در قبال از بین رفتن، هدر رفتگی و سوءاستفاده، محافظت می‌شوند.
  - کارایی: عملیات موسسه با حداکثر توان انجام شده و از منابع موجود، بیشترین استفاده صورت می‌گیرد.
  - کنترل‌های حسابداری باید حتماً از موارد زیر در موسسات غیرانتفاعی مطمئن شوند:
  - برای تهیه صورت‌های مالی، مطابق با اصول پذیرفته شده حسابداری و سایر معیارها، معاملات برطبق مجوز مدیریت انجام و ثبت می‌شوند.
  - دسترسی به موجودی بانک، تنها با مجوز مدیریت امکانپذیر است.
  - هزینه‌های غیرمستقیم بر مبنایی منصفانه به کمک‌های مالی و برنامه‌ها، تخصیص می‌یابند.
  - منابع محدود به‌صورت جداگانه ردیابی می‌شوند و با مبنای مقرر، تطبیق داده می‌شوند.
- به بیان ساده، سیستم کنترل داخلی مطلوب (در هر دو زمینه طراحی و اجرا)، موضوع بسیار مهمی برای موسسات غیرانتفاعی است.
- همانطور که گفته شد، موسسات غیرانتفاعی در ایران مورد توجه جدی قرار نگرفته‌اند و ارائه اطلاعاتی درباره کنترل داخلی و علل نیاز به وجود کنترل داخلی در این موسسات، به نظر ضروری می‌رسد. هدف اصلی این مطالعه، شناسایی علایم هشداردهنده وجود نقاط ضعف در سیستم کنترل داخلی از دیدگاه نمونه-ای از اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران است. ضمناً به‌دلیل کمبود ادبیات و همچنین توضیح اهمیت موضوع، در قسمت مبانی نظری و پیشینه پژوهش، مطالبی درباره عواقب وجود نقاط ضعف در سیستم کنترل داخلی موسسات غیرانتفاعی نیز ارائه می‌گردد.



## ۲- ادبیات و پیشینه پژوهش

بسیاری از موسسات غیرانتفاعی در شناخت این موضوع مشکل دارند که چه مقدار پول در دسترس دارند و چگونه آن مقدار پول را برای سرمایه‌گذاری بلندمدت، مدیریت کنند (بوتگلیری و همکاران، ۲۰۱۱). لازم به ذکر است که در حالی موسسات غیرانتفاعی عمدتاً به‌وسیله کمک‌های مالی، اوقاف و سرمایه‌گذاری دولت، تأمین مالی می‌شوند که اکثر اهداکنندگان، به جای تمرکز روی کل موسسه به‌عنوان یک کلیت واحد، روی پروژه‌ها و موارد خاص متمرکز هستند (دی ماگی و آنهر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰). هاگر<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۴) نیز چنین استدلال می‌نمایند که فشار وارده از جانب کمک‌کنندگان و گروه‌های نظارتی برای پیشینه‌سازی مصارف مربوط به مأموریت‌های موسسه و محدودسازی هزینه‌های سربار به سطوح بسیار پایین غیرواقعی، در دراز مدت، مضر خواهد بود. به این ترتیب، سرمایه‌گذاری ناکافی در هزینه‌های اداری-اجرایی (مانند کنترل-های داخلی)، می‌تواند نهایتاً عواقب منفی بر فعالیت‌های مربوط به مأموریت موسسه داشته باشد. خصوصاً شواهد ناشی از بررسی‌ها نشان می‌دهد که بهبود کنترل‌های داخلی نه تنها ریسک از دست دادن وجه ناشی از تقلب یا خطای حسابداری را می‌کاهد، بلکه توانایی موسسه برای ارائه خدمات به‌وسیله جذب بودجه اضافی را نیز می‌افزاید. افا<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) به ارزیابی کنترل‌های داخلی مالی بیمارستان‌های عمومی در غنا پرداخت. نتیجه مطالعه وی نشان داد که کنترل‌های داخلی مالی در سازمان‌های انتفاعی در قیاس با سازمان‌های غیرانتفاعی مانند بیمارستان‌های عمومی، بهتر اجرا می‌شود. گرچه بیمارستان‌های عمومی در انطباق با کنترل‌های داخلی مالی بوده‌اند، اما تمرکز و تأکیدشان به اندازه سازمان‌های انتفاعی نبوده است. با مرور ادبیات خارجی، مشهود است که کارهای پژوهشی اندکی درباره سیستم کنترل داخلی بخش عمومی و متعاقب آن، بیمارستان‌ها انجام شده است. ایدولکدیر<sup>۴</sup> (۲۰۱۴) نیز در بررسی چالش‌های پیاده‌سازی سیستم کنترل داخلی در سازمان‌های مردم‌نهاد کنیا، نتیجه گرفتند که وضعیت سیستم کنترل داخلی این نهادها مطلوب نبوده و آنان بر کنترل‌های غیررسمی و ابتدایی، تکیه می‌نمایند.

## ۲-۱- عوامل تعیین‌کننده ناکارآمدی در کنترل داخلی موسسات غیر انتفاعی

موسسات غیرانتفاعی از لحاظ اندازه و مأموریت و منابع عمده درآمد، تفاوت‌های قابل توجهی دارند. مدیریت باید پیش از شروع به کار حسابرس، مشکلات کنترل داخلی را شناسایی و برطرف نماید (جمیل، ۲۰۱۰). جی و مک وی<sup>۵</sup> (۲۰۰۵) پس از انجام بررسی‌های متعدد، نتیجه گرفتند شرکت‌هایی که نقاط ضعفی عمده در کنترل داخلی گزارش می‌کنند، نسبت به شرکت‌هایی که نقاط ضعف عمده‌ای گزارش نمی‌کنند، پیچیده‌تر، کوچک‌تر و کمتر سودآورند. دوپل<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۰۷a) مطالبی را به نتیجه جی و مک وی (۲۰۰۵) افزودند، آن‌ها عنوان کردند شرکت‌هایی که نقاط ضعف در کنترل داخلی گزارش می‌کنند، جوان‌ترند، به سرعت در حال رشد هستند و یا دستخوش بازسازی‌اند. همچنین اشبا-اسکایف<sup>۷</sup> و همکاران (۲۰۰۷) عنوان کردند شرکت‌هایی ناکارآمدی در کنترل داخلی گزارش می‌کنند که عملیات پیچیده‌تری دارند، در معرض خطر حسابرسی گسترده‌تری قرار دارند، منابع کمتری برای سرمایه‌گذاری در کنترل داخلی

دارند و احتمال استفاده از حسابرس برجسته در آن‌ها، بیشتر است. کیتینگ<sup>۲۶</sup> و همکاران (۲۰۰۵) نیز با انجام تحقیقاتی به این نتیجه رسیدند که موسسات غیرانتفاعی کوچک‌تر و موسساتی که به‌عنوان کم‌خطر در نظر گرفته شده‌اند، مشکلات کنترل داخلی بیشتری دارند. آن‌ها همچنین اظهار کردند که موسسات غیرانتفاعی که احتمال مشکلات کنترل داخلی در آن‌ها زیاد است، موسسات حسابرسی کوچک را برمی‌گزینند. کیچینگ<sup>۲۷</sup> (۲۰۰۹) شواهدی یافت که اهداکنندگان، حساب‌برسان برجسته را نشانی از اعتبار موسسه می‌دانند. گرینلی<sup>۲۸</sup> و همکاران (۲۰۰۷) نیز بیان نمودند که موسسات غیرانتفاعی قدیمی‌تر و بزرگ‌تر، به احتمال بیشتری دستورالعمل حسابرسی داخلی را به‌موقع انجام می‌دهند. پترویتس<sup>۲۹</sup> و همکاران (۲۰۱۱) با انجام بررسی‌های دقیق آماری، احتمال گزارش نقاط ضعف در کنترل داخلی سازمان‌هایی که سلامت مالی ضعیفی دارند، در حال رشد، پیچیده‌تر و کوچک‌ترند را بالاتر ارزیابی نمودند.

## ۲-۲- آثار ناکارآمدی های کنترل داخلی

بنیش<sup>۳۰</sup> و همکاران (۲۰۰۸) یافتند که سرمایه‌گذاران، نسبت به افشای اطلاعات وجود نقاط ضعف مربوط به بخش ۳۰۲ قانون ساربینز-اکسلی، واکنش منفی دارند، اما نسبت به وجود نقاط ضعف کنترل داخلی مربوط به بخش ۴۰۴، واکنشی پیدا نکردند. نتایج تحقیقات آن‌ها نشان می‌دهد که وقتی گزارش حسابرسی با ادعاهای مدیریت سازگار است، واکنش‌ها مثبت و قابل توجه است و هنگامی که گزارش حسابرسی با ادعاهای مدیریت متناقض است، این واکنش منفی خواهد بود. تحقیقات انجام شده همچنین یافته‌اند هنگامی که شرکتی وجود نقاط ضعف را در سیستم کنترل داخلی خود تجربه می‌نماید، اعتباردهندگان، هزینه تأمین مالی بالاتری را به آن شرکت تحمیل می‌کنند (کاستلو و ویتنبرگ- مورمن<sup>۳۱</sup>، ۲۰۱۱). بنیش و همکاران (۲۰۰۸) همچنین اثر افشای اطلاعات نقاط ضعف کنترل داخلی بر هزینه تأمین مالی را بررسی نمودند و به این نتیجه رسیدند که گزارش‌های مربوط به بخش ۳۰۲، هزینه تأمین مالی را افزایش می‌دهند، در حالی که گزارش‌های مربوط به بخش ۴۰۴، بر هزینه تأمین مالی بی‌تأثیرند. اگنوا<sup>۳۲</sup> و همکاران (۲۰۰۷) با انجام بررسی و پژوهش در این زمینه یافتند که گزارش نقاط ضعف کنترل داخلی موجب افزایش هزینه حقوق صاحبان سهام نمی‌شود. اما اشبا-اسکایف و همکاران (۲۰۰۸) به این نتیجه رسیدند که افشای اطلاعات مشکلات کنترل داخلی، به طور مستقیم با ریسک شرکت و هزینه حقوق صاحبان سهام مرتبط است.

بررسی‌های اندکی برای درک آثار ناکارآمدی کنترل داخلی در بخش غیرانتفاعی انجام شده است. کنترل های داخلی، برای اطمینان‌دهی از انجام موثر عملیات و گزارشگری مالی قابل اتکا، پایه‌گذاری شده‌اند. می‌توان انتظار داشت موسسات غیرانتفاعی که مشکلات کنترل داخلی دارند، بهره‌وری عملیاتی و کیفیت گزارشگری مالی پایینی داشته باشند. بنابراین، مشکلات کنترل داخلی می‌تواند به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر مقدار وجوه در دسترس برای اجرای مأموریت های موسسه تأثیرگذار باشد. همچنین از آنجایی که ناکارآمدی های کنترل داخلی می‌توانند نشان‌دهنده فقدان اثربخشی در ارائه خدمات خیریه و

احتمالی بالاتر برای خلاف کاری کشف نشده و تمام موارد مشابه دیگر باشند، موسسات غیرانتفاعی با ناکارآمدی‌های کنترل داخلی، سازمان‌هایی نامطمئن تلقی شده و نسبت به موسسات با کنترل داخلی کارآمد، کمک‌های کمتری از مردم دریافت خواهند کرد (پترویتس و همکاران، ۲۰۱۱). جا دارد که در اینجا به نظرات مخالف نیز اشاره شود، برای نمونه، فاما و جنسن<sup>۳۳</sup> (۱۹۸۳) معتقدند که برخلاف سهامداران، اهداکنندگان نهایتاً از فعالیت‌های موسسه منتفع نمی‌شوند و بدین ترتیب، احتمال کمتری برای نظارت بر موسسات غیرانتفاعی وجود دارد. آثار ناکارآمدی‌های کنترل داخلی را می‌توان در دو زمینه حمایت‌های عمومی و حمایت‌های دولتی، بررسی نمود.

## ۲-۲-۱- حمایت‌های عمومی

حمایت عمومی شامل کمک‌های دریافتی از اشخاص، هیئت امناء، شرکت‌ها و سازمان‌های خیریه (حمایت مستقیم) و کمک‌های دریافتی از واحدهای جمع‌آوری کمک‌های مردمی (حمایت غیرمستقیم) می‌شود. اهداکنندگان، اغلب اطلاعات اندکی از کیفیت خدمات دارند، اما حمایت قابل توجهی از بخش غیرانتفاعی می‌نمایند. بررسی‌های متعدد انجام شده در مورد حمایت‌های عمومی از موسسات غیرانتفاعی، نشان‌دهنده این است که بهره‌وری عملیاتی موسسات خیریه، ارتباط مستقیم با مقدار حمایت‌های دریافتی آن‌ها از اهداکنندگان دارد (برای نمونه؛ ویسبرود و دمینگوتز<sup>۳۴</sup>، ۱۹۸۶؛ پسنن و ساندلر<sup>۳۵</sup>، ۱۹۸۹؛ گرینلی و برون<sup>۳۶</sup>، ۱۹۹۹؛ تینکلن<sup>۳۷</sup>، ۲۰۰۴؛ تینکلن و منکنی<sup>۳۸</sup>، ۲۰۰۷). همچنین یتمان<sup>۳۹</sup> (۲۰۰۹) به این نتیجه رسید که مردم به سازمان‌هایی که در هزینه‌های مربوط به مأموریت خود اغراق می‌کنند و همچنین در مورد هزینه‌های جمع‌آوری کمک‌های مردمی حقیقت را اظهار نمی‌کنند، کمک‌های کمتری می‌نمایند. در مجموع، تحقیقات انجام شده اشاره به این دارند که اکثریت مردم، اما نه همه، از اطلاعات در دسترس خود برای تفاوت قائل شدن بین موسسات غیرانتفاعی با کیفیت و موسسات غیرانتفاعی بی‌کیفیت استفاده می‌کنند و بر اساس آن، تصمیمات خود را اتخاذ می‌کنند. ختا و ساندلر<sup>۴۰</sup> (۲۰۰۰) و اکتن و ویسبرود<sup>۴۱</sup> (۲۰۰۰) در تحقیقات خود از وجود رابطه مستقیم بین حمایت عمومی، کمک‌های دولتی و درآمد خدمات برنامه<sup>۴۲</sup> خبر دادند. کیچینگ (۲۰۰۹) شواهدی یافت که اهداکنندگان، حساب‌برسان برجسته را نشانی از اعتبار می‌دانند. پترویتس و همکاران (۲۰۱۱) نیز در تحقیقات خود یافتند که هزینه جمع‌آوری کمک‌های مردمی و عمر موسسه غیرانتفاعی با حمایت‌های عمومی از موسسه، ارتباط مستقیم دارند و در مقابل، ارتباط ارزش موسسه با حمایت‌های عمومی از آن، منفی است.

## ۲-۲-۲- حمایت‌های دولتی

گرچه ارتباط منفی بین مشکلات کنترل داخلی و کمک‌های متعاقب دولت، به نظر ذاتی و مسلم می‌رسد، اما همواره سوالاتی در مورد عوامل تعیین‌کننده واقعی سرمایه‌گذاری دولت در بخش غیرانتفاعی وجود دارد. ممکن است، عوامل سیاسی و نه کیفیت موسسه غیرانتفاعی که توسط نتایج حسابرسی مشخص شده است، تصمیمات کمک و مشارکت دولت را هدایت نماید. از جمله موارد قابل توجه، رابطه بین هزینه جمع‌آوری کمک‌های مردمی و حمایت‌های دولت از بخش غیرانتفاعی است. آندرونی و پاین<sup>۴۳</sup> (۲۰۰۳)

یافتند که موسسات غیرانتفاعی، به هنگام دریافت کمک‌های مالی از دولت، از تلاش‌های خود به‌منظور جمع‌آوری کمک‌های مردمی، می‌کاهند. اگر موسسه غیرانتفاعی متوجه شود که در دوره بعد، حمایت‌های دولت کاهش خواهد یافت، حال یا به علت از دست دادن منافع سیاسی یا محدودیت‌های کلان اقتصادی بوجود آمده، با احتمال فراوان جمع‌آوری کمک‌های مردمی را افزایش خواهد داد. از این مطلب به‌طور مشابه می‌توان رابطه درآمد خدمات برنامه و کمک‌های مالی دولت را نیز استنباط کرد، به این ترتیب که اگر موسسه‌ای هرچه بیشتر از دولت کمک دریافت نماید، کمتر به دنبال چنین درآمدهایی خواهد بود. پترویتس و همکاران (۲۰۱۱) در بررسی‌ها و تجزیه و تحلیل‌های خود به این نتیجه رسیدند که هزینه جمع‌آوری کمک‌های مردمی، عمر موسسه غیرانتفاعی، ارزش آن و درآمد خدمات برنامه آن، با کمک‌های مالی دولتی ارتباط مستقیم دارند و اعمال نفوذ موسسه غیرانتفاعی و حمایت‌های عمومی از آن، با کمک‌های دریافتی دولتی، ارتباط منفی دارند. همچنین لازم به ذکر است که دولت‌ها در اعطای کمک‌های خود، عامل محرومیت منطقه‌ای را نیز مورد توجه قرار می‌دهد و یکی از اهداف کمک‌ها و مشارکت‌های دولت، توزیع مجدد درآمد در مناطق مختلف جغرافیایی، به منظور رفع نیازهای اقتصادی است. گفتنی است، پترویتس و همکاران (۲۰۱۱) برای شناسایی عوامل موثر بر وجود نقاط ضعف در سیستم کنترل داخلی موسسات غیرانتفاعی، از مدل شماره (۱) استفاده نمودند.

$$\text{Prob (ICD)} = \beta_0 + \beta_1 \text{COMPLEXITY} + \beta_2 \text{GOINGCONCERNRISK} + \beta_3 \text{SURPLUS} + \beta_4 \ln \text{SIZE} + \beta_5 \text{GROWTH} + \beta_6 \text{RISK} + \beta_7 \text{NEWGRANTEE} + \beta_8 \text{BIG4} + \beta_9 \text{REGIONAL} + \beta_{10} \text{SPECIALIST} + \sum \gamma_i \text{INDUSTRY} + \sum \delta_i \text{YEAR}.$$

(۱)

که این متغیرها از سمت چپ عبارتند از: احتمال وجود ناکارایی در سیستم کنترل داخلی؛ پیچیدگی؛ خطر تداوم فعالیت؛ وجود مازاد؛ اندازه موسسه؛ رشد؛ پر ریسک بودن موسسه؛ انتقال گیرنده جدید بودن؛ چهار موسسه حسابرسی بزرگ؛ هم منطقه بودن موسسه حسابرسی و موسسه غیرانتفاعی؛ و تخصص موسسه حسابرسی. در مطالعه حاضر، این مطالعه قوی و مبنایی انجام شده توسط پترویتس و همکاران (۲۰۱۱)، با توجه به شرایط ایران، مورد توجه، تعدیل و بازبینی قرار می‌گیرد.

### ۳- روش پژوهش

روش انجام این پژوهش، توصیفی-پیمایشی است. در بخش نظری با رجوع به کتاب‌ها، مجله‌ها و پایگاه‌های اینترنتی، اطلاعات مورد نیاز برای انجام پژوهش، جمع‌آوری شد. در بخش میدانی نیز برای جمع‌آوری داده‌ها، از ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه، استفاده شد. به منظور شناسایی مقدماتی علائم هشداردهنده وجود نقاط ضعف در سیستم کنترل داخلی موسسات غیرانتفاعی، از پژوهش انجام شده توسط پترویتس و همکاران (۲۰۱۱) استفاده شده است. هشت عامل شناسایی شده، در اختیار حسابداران رسمی باسابقه که با ادبیات علمی نیز آشنایی داشته‌اند، قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد تا کیفیت معیارهای مطرح شده را ارزیابی نموده و بنا بر اطلاعات شخصی خویش، کسورات و اضافاتی را بر عوامل شناسایی شده، اعمال کنند.

تلاش شد تا فصل مشترک پیشنهادها و علل، مدنظر قرار گیرد که در نهایت، تغییری در هشت عامل ایجاد نشد و تنها در تعریف و عنوان برخی عوامل، تغییراتی ایجاد شد تا خواسته‌های پیشنهاددهندگان، اعمال گردد. این عوامل در پرسشنامه‌ای که دارای طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت بوده، قرار گرفت. از پاسخ‌دهندگان خواسته شد تا میزان اهمیت هر کدام از شش معیار مطرح شده را برگزینند (گزینه یک = بسیار کم اهمیت؛ گزینه دو = کم اهمیت؛ گزینه سه = نرمال؛ گزینه چهار = با اهمیت؛ گزینه پنج = بسیار با اهمیت). گفتنی است که به پیشنهاد گروه مذکور، توضیحات لازم درباره موسسات غیرانتفاعی، فعالیت‌ها و کنترل‌های داخلی آنان، به منظور یادآوری و قرار گرفتن در محیط پژوهش، در اختیار پاسخ‌دهندگان قرار گرفت تا منظور کار پژوهشی روشن باشد. در ابتدا، به منظور بررسی روایی و پایایی پرسشنامه‌ها، پرسش‌ها بین ۱۸ نفر از اعضای جامعه آماری توزیع شد و اطلاعات گردآوری شده ارزیابی شدند.

### ۳-۱- روایی پرسشنامه

اعتبار یا روایی یعنی اینکه ابزار اندازه‌گیری، تا چه حد مناسب انتخاب شده است و می‌تواند متغیر مورد نظر را اندازه‌گیری کند (خاکی، ۱۳۸۷). اعتبار محتوایی، بیانگر آن است که پرسش‌ها در راستای هدف‌های مورد نظر تهیه شده و هدف را به‌طور مناسب، اندازه‌گیری می‌کنند (مهدوی و نمازی، ۱۳۹۰). در این پژوهش، با استفاده از مطالعه انجام شده توسط پترویتس و همکاران (۲۰۱۱) و نظرات خبرگان رشته، پرسشنامه‌ای تدوین شد و مبنای بررسی‌ها قرار گرفت. بنابراین، پرسشنامه از اعتبار محتوایی برخوردار است. اعتبار ساختاری، مربوط به مفاهیم یا ویژگی‌هایی است که از طریق پرسشنامه مورد سنجش قرار می‌گیرد. این موضوع به‌طور مستقیم قابل مشاهده نبوده و تنها به صورت غیرمستقیم، قابل مشاهده و ارزیابی است. یکی از روش‌های آزمون اعتبار ساختاری، مقایسه یافته‌های پژوهش با نتایج پژوهش‌های مشابه است. اگر نتایج به دست آمده به هم نزدیک باشند، اعتبار ساختاری ابزار اندازه‌گیری، تأیید می‌شود (مهدوی و نمازی، ۱۳۹۰). از آنجا که تا کنون، پژوهشی در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر در ایران انجام نشده است، این شیوه نمی‌توانست برای تعیین اعتبار ساختاری ابزار اندازه‌گیری، مورد استفاده قرار گیرد. از این رو، برای آزمون اعتبار ساختاری، از نظرات متخصصان و تعدادی از افراد عضو جامعه حسابداران رسمی، استفاده شده است. به دلیل عدم شناسایی مشکلات مفهومی توسط ایشان، اعتبار ساختاری پرسشنامه تأیید شد.

### ۳-۲- پایایی پرسشنامه

پایایی ابزار اندازه‌گیری یعنی اینکه ابزار اندازه‌گیری انتخاب شده، در صورت تکرار اندازه‌گیری متغیرها در شرایط یکسان، تا چه حد نتایج مشابهی را ارائه می‌کند (خاکی، ۱۳۸۷). همچنین می‌توان گفت که پایایی ابزار اندازه‌گیری، درجه‌ای است که نتایج به دست آمده می‌تواند از اندازه‌گیری مجدد نیز، به دست آید. به بیان دیگر، با به‌کارگیری ابزار اندازه‌گیری در موقعیت‌های یکسان، باید نتایج یکسانی حاصل شود. در

پژوهش حاضر، از معیار آلفای کرونباخ برای آزمون ثبات نتایج اندازه‌گیری استفاده شد. مقدار آلفا  $0/882$  به دست آمد که نشان‌دهنده میزان پایایی بسیار مطلوب پرسشنامه است.

#### ۴- جامعه و نمونه آماری

برای گزینش جامعه آماری، از روش‌ها و رویکردهای متعددی استفاده شد (تماس مستقیم با موسسات غیرانتفاعی، نظرخواهی از مدیران آن‌ها، بهره‌گیری از نظرات مدیران مالی بخش‌های غیرانتفاعی، استفاده از نظرات حسابرسان دیوان محاسبات و استفاده از نظرات اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران)، اما در انتها و پس از بررسی نتایج نخستین هر راهکار، توجه به جامعه آماری که در هر راهکار در دسترس بود و سایر موارد، استنتاج شد که دیدگاه حسابداران رسمی، دیدگاه روشن‌تر، همگرا تر، علمی‌تر و معنادارتر و همچنین مبرا از اعمال نظرات شخصی و نفع شخصی و تمایلات جانبدارانه می‌باشد. با توجه به سطح آگاهی و تجربه-ای که اعضای جامعه حسابداران رسمی طی مراحل تحصیل، عضویت در جامعه، و کار کسب کرده‌اند، انتخاب این جامعه آماری معقول به نظر می‌رسد.

به این ترتیب، جامعه آماری پژوهش حاضر، تمام اشخاص حقیقی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۹۱ می‌باشد که با توجه به اطلاعات ارائه شده در صفحات ۱۰۵ تا ۱۴۹ شماره هفده (بهار ۹۱) مجله حسابدار رسمی، تعداد کل اعضای جامعه حسابداران رسمی، اعم از حسابداران رسمی شاغل شریک موسسات، حسابداران رسمی شاغل در سازمان حسابرسی، حسابداران رسمی شاغل در موسسات عضو، حسابداران رسمی شاغل انفرادی و حسابداران رسمی غیرشاغل، ۱۶۶۹ نفر بوده است. با استفاده از فرمول کوکران، تعداد نمونه برآورد شد. در این فرمول در سطح مقدار خطای ۵ درصد، نمونه برآوردی ۳۱۲ نفر می‌باشد. بنابراین، ۳۱۲ پرسشنامه به برخی از اعضای جامعه حسابداران رسمی که اکثراً ساکن تهران بوده‌اند، به صورت اینترنتی، پستی و حضوری ارسال شد. گفتنی است که به دلیل وجود مشکلاتی در نمونه‌گیری تصادفی، از روش نمونه‌گیری وضعی (حافظ نیا، ۱۳۸۹) یا نمونه‌گیری در دسترس (دلاور، ۱۳۸۹) برای گزینش آزمودنی‌ها استفاده شده است. در نهایت، پس از انجام پیگیری‌های متعدد، تعداد ۱۶۲ عدد پرسشنامه (تعداد نمونه مورد نیاز در سطح خطای  $0/073$ ) گردآوری شد.

#### ۵- فرضیه‌های پژوهش

پس از بررسی ادبیات و مبانی نظری موضوع پژوهش، هشت علامت هشداردهنده وجود نقاط ضعف در سیستم کنترل داخلی موسسات غیرانتفاعی شناسایی شد و پس از تعدیلات، مورد آزمون قرار گرفت. به این ترتیب، فرضیه‌های شماره یک تا هشت، تدوین شدند. این هشت عامل عبارتند از: (۱) پیچیدگی سازمانی؛ (۲) وجود کسری؛ (۳) کوچک بودن اندازه موسسه؛ (۴) انتقال گیرنده جدید<sup>۴۴</sup>؛ (۵) رشد؛ (۶) خطر تداوم فعالیت؛ (۷) سطح ریسک؛ و (۸) کوچک بودن موسسه حسابرسی کننده سال قبل. فرضیه‌های مورد نظر،

پس از ارائه تعریفی از هرکدام از این عوامل، ارائه می‌شود. این تعاریف، غالباً برگرفته از تعاریف ارائه شده پترویتس و همکاران (۲۰۱۱) است که البته در اکثر موارد با تعدیلاتی همراه بوده‌اند:

(۱) پیچیدگی سازمانی: این عامل مربوط به تعداد منابع درآمدی موسسه است. سازمان‌هایی که تنها از یک منبع، بودجه دریافت می‌کنند، نسبت به سازمان‌هایی که از چند منبع، تأمین بودجه می‌شوند، اساساً در انواع کمتری از برنامه‌های خیریه درگیر می‌شوند. بنابراین، سازمان‌هایی که منبع بیشتر تأمین مالی (حمایت مردمی، حمایت دولت و یا درآمد خدمات برنامه- درآمد خدمات برنامه، درآمدی است حاصل از فروش محصولات یا خدمات ایجاد شده طی دوره اجرای برنامه‌های مربوط به مأموریت) دارند، در عملیات متنوع‌تری مشغولند، پیچیده‌تر نیز هستند و بنابراین، احتمال وجود مشکل در کنترل داخلی آن‌ها بیشتر است.

**فرضیه نخست:** پیچیدگی سازمانی، از علائم هشداردهنده وجود ناکارآمدی در کنترل داخلی موسسه غیرانتفاعی است.

(۲) وجود کسری: مطابق تحقیقات انجام شده در مورد شرکت‌های سهامی عام که از وجود زیان برای اندازه‌گیری سلامت مالی استفاده می‌شود، در اینجا نیز مقیاس دیگری تحت عنوان وجود مازاد (کسری)، به عوامل هشدار دهنده وجود مشکلات کنترل داخلی، افزوده می‌شود. موضوع مورد بررسی این است که آیا درآمدهای موسسه، مازاد بر مخارج آن هست یا نه. اگر مازاد درآمد بر مخارج وجود داشته باشد، آنگاه، شرکت وضعیت مطلوب و مساعد مالی خواهد داشت و مشکلات کنترل داخلی کمتری خواهد داشت و برعکس.

**فرضیه دوم:** وجود کسری، از علائم هشداردهنده وجود ناکارآمدی در کنترل داخلی موسسه غیرانتفاعی است.

(۳) کوچک‌تر بودن اندازه موسسه: سازمان‌های بزرگ‌تر، برای برنامه‌ریزی اینکه چه زمانی کنترل‌های داخلی را اجرا کنند، منابع و تجربه بیشتری دارند. موسسات غیرانتفاعی قدیمی‌تر و بزرگ‌تر، به احتمال بیشتری دستورالعمل حسابرسی داخلی را به‌موقع انجام می‌دهند (گرینلی و همکاران، ۲۰۰۷).

**فرضیه سوم:** کوچک‌تر بودن اندازه موسسه غیرانتفاعی، از علائم هشداردهنده وجود ناکارآمدی در کنترل داخلی آن است.

(۴) انتقال‌گیرنده جدید: مورد دیگری که با توجه به مطالب مذکور می‌توان افزود، احتمال بالای مشکل کنترل داخلی در سازمان‌های تازه وارد است. سازمان‌هایی که برای نخستین بار کمک‌های دولتی و مردمی را دریافت می‌کنند، به احتمال کمتری تمام سیستم‌های کنترل داخلی را در جای خود قرار می‌دهند.

**فرضیه چهارم:** انتقال‌گیرنده جدید بودن موسسه غیرانتفاعی، از علائم هشداردهنده وجود ناکارآمدی در کنترل داخلی آن است.

۵) رشد: کنترل‌های داخلی باید در واکنش به تغییرات سازمانی، تغییر کنند، زیرا کنترل‌های موجود، ممکن است نامربوط یا نامؤثر شوند و کنترل‌های جدید نیاز باشند. سازمان‌هایی که به سرعت در حال تغییرند، اغلب در ارزیابی کفایت و به روز نمودن کنترل‌های داخلی خود، با همان سرعتی که توسعه سازمانی به وقوع می‌پیوندد، ناتوانند. می‌توان گفت، سرعت رشد تأثیری نامطلوب بر کنترل داخلی دارد.

**فرضیه پنجم:** سرعت رشد موسسه غیرانتفاعی، از علائم هشداردهنده وجود ناکارآمدی در کنترل داخلی آن است.

۶) خطر تداوم فعالیت: وجود خطر تداوم فعالیت، اشاره به این دارد که در مورد توانایی موسسه جهت اجرای تعهداتش (مطابق قراردادها)، تردید وجود دارد. وجود بند تداوم فعالیت، نشان از سلامت مالی ضعیف موسسه دارد که این امر، احتمال اینکه موسسه غیرانتفاعی منابع کافی برای سرمایه‌گذاری در کنترل داخلی داشته باشد را بسیار کم خواهد نمود. جریان منفی وجوه نقد حاصل از عملیات، نقض مفاد قراردادهای وام، نسبت‌های مالی نامساعد، تعطیلی فعالیت‌ها و وجود دعاوی دادگاهی، از شرایطی هستند که می‌توانند تهدیدی جدی برای تداوم فعالیت باشند.

**فرضیه ششم:** وجود خطر تداوم فعالیت، از علائم هشداردهنده وجود ناکارآمدی در کنترل داخلی موسسات غیرانتفاعی است.

۷) سطح ریسک موسسه: موسسات غیرانتفاعی را می‌توان به دو دسته کم خطر و پرخطر، تقسیم نمود. برای اینکه یک موسسه کم خطر در نظر گرفته شود، باید طی دو سال گذشته به‌طور سالانه حسابرسی شود و نتیجه این حسابرسی‌ها، اظهارنظر مقبول، کنترل داخلی کارآمد و عدم وجود یافته حسابرسی باشد (پترویتس و همکاران، ۲۰۱۱).

**فرضیه هفتم:** بالا بودن سطح ریسک در موسسه غیرانتفاعی، از علائم هشداردهنده وجود ناکارآمدی در کنترل داخلی آن است.

۸) کوچک بودن موسسه حسابرسی کننده در سال قبل: عامل نهایی که به موارد مذکور افزوده می‌شود، تأثیر نوع موسسه حسابرسی بر احتمال وجود ناکارآمدی در کنترل داخلی است. با توجه به اینکه کیتینگ و همکاران (۲۰۰۵) با تحقیقات خود نشان دادند موسسات غیرانتفاعی که احتمال مشکلات کنترل داخلی در آن‌ها زیاد است، موسسات حسابرسی کوچک را برمی‌گزینند و اینکه کیچینگ (۲۰۰۹)، شواهدی یافت که اهداکنندگان، حسابرسان بزرگ را نشانی از اعتبار می‌دانند، می‌توان نتیجه گرفت که هرچه موسسه حسابرسی بزرگ‌تر باشد، احتمال وجود ناکارآمدی کنترل داخلی واحد مورد رسیدگی، کمتر خواهد بود.

**فرض هشتم:** حسابرسی شدن موسسه غیرانتفاعی توسط موسسات حسابرسی کوچک تر در سال قبل، از علائم هشداردهنده وجود ناکارآمدی در کنترل داخلی آن است.



## ۶- پردازش یافته‌های پژوهش

### ۶-۱- شناسایی علائم وجود نقاط ضعف در کنترل داخلی

پاسخ‌های گردآوری شده در قالب پرسشنامه، وارد نرم افزار Excel شدند و پس از آماده‌سازی‌های لازم، داده‌ها به نرم افزار SPSS منتقل گشتند. در جدول یک، آمار توصیفی پراکندگی داده‌ها، ارائه شده است. با دقت در ارقام ارائه شده در جدول یک، مشهود است که وجود کسری با میانگین ۴/۳۷، بیشترین میانگین را دارد و پس از آن، شاخصه‌های پیچیدگی سازمانی، سطح ریسک و خطر تداوم فعالیت، در رتبه‌های بعدی قرار دارند. با توجه به نتایج ارائه شده در جدول یک، میانگین اهمیتی که پاسخ‌دهندگان برای پیچیدگی سازمانی، وجود کسری، انتقال گیرنده جدید، خطر تداوم فعالیت، سطح ریسک و کوچک بودن موسسه حسابرسی کننده سال قبل، منظور کرده‌اند، بالای ۳ است که نشان از بااهمیت‌بودن این شاخصه‌ها است.

جدول ۱- آمار توصیفی پراکندگی داده‌ها

شاخصه‌ها	میانگین	میان	انحراف معیار	بیشینه	کمینه
پیچیدگی سازمانی	۴/۳۵	۵	۰/۹۲	۵	۱
وجود کسری	۴/۳۷	۵	۱/۱	۵	۱
کوچک بودن اندازه موسسه	۲/۷۵	۳	۱/۰۶	۵	۱
انتقال گیرنده جدید	۳/۱۲	۴	۱/۴۴	۵	۱
رشد	۲/۹۵	۳	۱/۲۸	۵	۱
خطر تداوم فعالیت	۳/۷۷	۴	۱/۳۹	۵	۱
سطح ریسک	۴/۱۷	۵	۱/۲۳	۵	۱
کوچک بودن موسسه حسابرسی کننده سال قبل	۳/۳۷	۳	۱/۴	۵	۱

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در جدول دو نیز نسبت تقریبی پاسخ‌هایی که به هر گزینه داده شده، ارائه شده است. بنابر جدول دو، ۷۰ درصد پاسخ‌دهندگان، وجود کسری را بسیار با اهمیت قلمداد کرده‌اند و پس از آن، ۶۱ درصد پاسخ‌دهندگان، پیچیدگی سازمانی را بسیار با اهمیت ارزیابی کرده‌اند. سطح ریسک و خطر تداوم فعالیت نیز در رتبه‌های بعدی قرار دارند. با توجه به جدول دو شاهد هستیم که ۸۰ درصد پاسخ‌دهندگان، پیچیدگی سازمانی را با اهمیت یا بسیار با اهمیت قلمداد کرده‌اند که این مقدار برای وجود کسری، ۸۱ درصد، انتقال گیرنده جدید، ۵۲ درصد، خطر تداوم فعالیت، ۶۴ درصد، سطح ریسک، ۷۶ درصد و کوچک بودن موسسه حسابرسی کننده سال قبل، ۵۰ درصد است که بالاتر از نصف می‌باشند و از این طریق نیز با اهمیت بودن این متغیرها قابل تشخیص است.

در مجموع، با بررسی دو دسته بندی مطرح، می‌توان ادعا کرد که از دیدگاه پاسخ‌دهندگان، شاخصه‌های پیچیدگی سازمانی، وجود کسری، انتقال گیرنده جدید، خطر تداوم فعالیت، سطح ریسک و کوچک بودن

موسسه حسابرسی کننده سال قبل، از علائم هشداردهنده وجود نقاط ضعف در سیستم کنترل داخلی موسسات غیر انتفاعی، قلمداد می‌شوند. بنابراین می‌توان فرضیه‌های نخست، دوم، چهارم، ششم، هفتم و هشتم را پذیرفته دانست و فرضیه‌های سوم و پنجم را رد کرد.

جدول ۲- آمار توصیفی نسبت گزینه‌ها

شاخصه‌ها	بسیار بااهمیت	بااهمیت	نرمال	بی اهمیت	بسیار بی اهمیت
پیچیدگی سازمانی	۰/۶۱	۰/۱۹	۰/۱۷	۰/۰۲	۰/۰۱
وجود کسری	۰/۷۰	۰/۱۱	۰/۰۹	۰/۰۷	۰/۰۳
کوچک بودن اندازه موسسه	۰/۰۹	۰/۰۸	۰/۴۳	۰/۲۸	۰/۱۲
انتقال گیرنده جدید	۰/۲۰	۰/۳۲	۰/۱۲	۰/۱۶	۰/۲۰
رشد	۰/۱۷	۰/۱۶	۰/۲۸	۰/۲۵	۰/۱۴
خطر تداوم فعالیت	۰/۴۵	۰/۱۹	۰/۱۱	۰/۱۵	۰/۱۰
سطح ریسک	۰/۶۰	۰/۱۶	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۰۶
کوچک بودن موسسه حسابرسی کننده سال قبل	۰/۳۳	۰/۱۷	۰/۲۱	۰/۱۷	۰/۱۲

منبع: یافته‌های پژوهشگر

#### ۲-۶- رتبه‌بندی علائم وجود نقاط ضعف در کنترل داخلی

به منظور رتبه‌بندی عوامل تعیین کننده وجود نقاط ضعف در سیستم کنترل داخلی موسسات غیرانتفاعی از دیدگاه حسابداران رسمی، از آزمون فریدمن استفاده شده است. آزمون فریدمن، یک آزمون ناپارامتری، معادل آنالیز واریانس با اندازه‌های تکراری (درون گروهی) است که از آن برای مقایسه میانگین رتبه‌ها در K متغیر (گروه) استفاده می‌کنیم. این آزمون زمانی کاربرد پیدا می‌کند که قصد داشته باشیم نظرات یک گروه را در چند زمینه مورد بررسی قرار دهیم و براساس نظرات افراد این گروه، اولویت هر کدام از موارد را بر اساس رتبه‌بندی معنادار، مشخص نماییم. در این قسمت، هر هشت متغیر گنجانده شده‌اند. نتیجه اولیه آزمون فریدمن، در جدول سه ارائه شده است.

جدول ۳- نتیجه اولیه آزمون فریدمن

تعداد	۱۶۲
آماره کای دو	۳۰۱/۳۳۱
درجه آزادی	۷
سطح معناداری	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

بنا بر نتایج ارائه شده در جدول سه، اهمیتی که حسابداران رسمی برای هشت معیار مورد پرسش قائل شده‌اند، متفاوت می‌باشد، اما این نتیجه برای رتبه‌بندی این معیارها، کافی نمی‌باشد. یکی دیگر از نتایج آزمون فریدمن، رتبه‌بندی امتیازات می‌باشد که نتایج آن، در جدول چهار آمده است.

جدول ۴- نتایج رتبه‌بندی متغیرها

رتبه میانگین	شاخصه‌ها
۵/۵۱	پیچیدگی سازمانی
۶/۱۳	وجود کسری
۴/۰۰	کوچک بودن اندازه موسسه
۳/۴۱	انتقال گیرنده جدید
۳/۴	رشد
۵/۰۲	خطر تداوم فعالیت
۵/۴۲	سطح ریسک
۳/۱۱	کوچک بودن موسسه حسابرسی کننده سال قبل

منبع: یافته‌های پژوهشگر

بنابر نتایج آن، وجود کسری با رتبه میانگین ۶/۱۳، بالاترین امتیاز را دارد، پیچیدگی سازمانی با رتبه میانگین ۵/۵۱ در جایگاه بعدی قرار دارد. سطح ریسک با رتبه میانگین ۵/۴۲ و وجود خطر تداوم فعالیت با میانگین رتبه ۵/۰۲ نیز در مرتبه‌های بعدی قرار دارند. رتبه‌های پنجم و ششم هم به ترتیب به کوچک بودن اندازه موسسه حسابرسی سال قبل با رتبه میانگین ۴ و انتقال گیرنده جدید با میانگین رتبه ۳/۴۱، اختصاص یافته است. در انتها نیز همانطور که انتظار می‌رفت، رشد موسسه با رتبه میانگین ۳/۴ و کوچکی اندازه موسسه با رتبه میانگین ۳/۱۱، قرار دارند.

#### ۷- بحث و نتیجه‌گیری

سازمان‌های غیرانتفاعی، سازمان‌هایی رسمی هستند که هدف اصلی آن‌ها، پشتیبانی از یک مورد یا موضوع خاص یا همگانی، بدون داشتن مقاصد تجاری در کنار آن است. کنترل داخلی، شامل کلیه اقداماتی است که برای تأمین اطمینان نسبی از اجرای صحیح امور و مطابقت آن با قوانین و مقررات و سیاست‌های واحد تجاری، صورت می‌گیرد. این کنترل‌ها، برای تمام سازمان‌ها لازم و ضروری‌اند. موسسات غیرانتفاعی، از نظر اندازه و حوزه فعالیت متفاوتند ولی همه آن‌ها، مشترکاً به کنترل داخلی جهت کمک به دستیابی به اهداف خود، نیاز دارند. دلایل بسیار فراوانی در مورد اینکه چرا موسسه غیرانتفاعی باید کنترل داخلی را به اجرا گذارد، وجود دارد که از جمله آن‌ها، مسئولیت غیرانتفاعی‌ها در قبال مردم است. اجرای کنترل داخلی، همیشه با احتمال بروز مشکلاتی همراه است و این مشکلات، همواره عواملی دارند که با بررسی این عوامل و

شناسایی آن‌ها، می‌توان از بروز مشکلات کنترل داخلی، جلوگیری کرد. از آنجایی که ناکارآمدی‌های کنترل داخلی می‌تواند نشان‌دهنده فقدان اثربخشی در ارائه خدمات خیریه و احتمالی بالاتر برای سوءاستفاده‌های کشف نشده و تمام موارد مشابه دیگر باشد، موسساتی که مشکلات کنترل داخلی دارند، نامطمئن خوانده می‌شوند و کمک‌های کمتری نسبت به موسسات با کنترل داخلی کارآمد، از مردم دریافت خواهند کرد. کنترل داخلی در بخش غیرانتفاعی، عرصه‌ای نسبتاً ناشناخته برای پژوهشگران است و سوالات زیادی همواره باقی مانده است. تحقیقات بیشتری نیاز است تا سایر علائم هشدار دهنده وجود مشکلات کنترل داخلی موسسات غیرانتفاعی شناخته شوند و چگونگی تأثیر نقاط ضعف کنترل داخلی بر سایر جنبه‌های عملیات بخش غیرانتفاعی، بررسی و شناسایی شوند.

در این پژوهش تلاش شد تا گامی هرچند کوچک در راستای کسب شناخت بهتر از موسسات غیرانتفاعی و علائم هشداردهنده وجود نقاط ضعف در کنترل داخلی آن‌ها، برداشته شود. نتایج بررسی‌ها نشان داد که از دید نمونه‌ای از حسابداران رسمی، پیچیدگی سازمانی (مطابق با یافته‌های جی و مک‌وی، ۲۰۰۵؛ اشبا-اسکایف و همکاران، ۲۰۰۷؛ پترویتس و همکاران، ۲۰۱۱)، وجود کسری، انتقال گیرنده جدید (مطابق با یافته‌های جی و مک‌وی، ۲۰۰۵؛ دوایل و همکاران، ۲۰۰۷a؛ گرینلی و همکاران، ۲۰۰۷)، خطر تداوم فعالیت، سطح ریسک (مغایر با یافته کیتینگ و همکاران، ۲۰۰۵) و کوچک بودن موسسه حسابرسی کننده سال قبل (مغایر با یافته اشبا-اسکایف، ۲۰۰۷)، از علائم بااهمیت هشداردهنده وجود نقاط ضعف در سیستم کنترل داخلی موسسات هستند. در مجموع علائم شناسایی شده نیز به ترتیب، وجود کسری، پیچیدگی سازمانی، سطح ریسک، وجود خطر تدام فعالیت، کوچک بودن اندازه موسسه، انتقال گیرنده جدید، رشد موسسه، و کوچکی اندازه موسسه حسابرسی سال قبل، بیشترین تا کمترین اهمیت را داشته‌اند. هدف اصلی این مطالعه، افتتاح باب گفتگو راجع به کنترل داخلی موسسات غیرانتفاعی و گسترش ادبیات آن در ایران، به همراه ارائه رهنمودهایی به موسسات غیرانتفاعی و حسابرسان بوده است. نتایج این مطالعه می‌تواند رهنمودی برای هوشیاری حسابرسان و مدیران موسسات غیرانتفاعی در مواجهه با مشکلات احتمالی کنترل داخلی این موسسات باشد. بنابراین، در ادامه ضمن ارائه پیشنهادهایی برای پژوهشگران علاقمند، راهکارهایی ابتدایی و کاربردی نیز برای موسسات غیرانتفاعی ارائه می‌گردد.

نتایج بررسی‌های پژوهش حاضر نشان داد که با در نظر گرفتن جمیع شرایط، پیچیدگی سازمانی، وجود کسری، انتقال گیرنده جدید بودن شرکت، خطر تدام فعالیت، بالا بودن سطح ریسک و کوچک بودن موسسه حسابرسی سال گذشته، از نشانه‌های وجود ناکارایی احتمالی در سیستم کنترل داخلی موسسات غیرانتفاعی می‌باشند و لذا، حسابرسان می‌توانند در انجام حسابرسی اینگونه موسسات، به موارد مذکور توجه جدی داشته باشند. البته این موارد می‌توانند، مورد استفاده مدیران این موسسات نیز قرار بگیرند.

## فهرست منابع

(۱) اسامی و فهرست‌ها. (۱۳۹۰)، مجله حسابدار رسمی، شماره ۱۷، صص ۱۰۵-۱۴۹.

- ۲) حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۹)، "مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی". تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- ۳) خاکی، غلامرضا. (۱۳۸۷)، "روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی (چاپ دوم)". تهران: انتشارات بازتاب.
- ۴) دلاور، علی. (۱۳۸۶)، "روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی". تهران: انتشارات نشر ویرایش.
- ۵) رحیمیان، نظام‌الدین؛ توکل نیا، اسماعیل. (۱۳۹۱)، نقش حسابرسی داخلی در کیفیت سیستم کنترل داخلی، مجله حسابرِس، شماره ۵۹، صص ۱۰۴-۱۱۳.
- ۶) مهدوی، غلامحسین و نمازی، نویدرضا. (۱۳۹۰) "رتبه بندی عوامل موثر بر خطر حسابرسی با استفاده از تکنیک TOPSIS"، مجله دانش حسابرسی. شماره ۴۵، صص ۲۸-۵۰.
- 7) Abdulkadir, H. S. ,(2014), "Challenges of Implementing Internal Control Systems in Non-Governmental Organizations (NGO) in Kenya: A case of Faith-Based Organizations (FBO) in Coast Region. IOSR Journal of Business and Management, Vol. 16, No. 3, PP. 57-62.
- 8) Andreoni, J. and Payne, A. ,(2003), "Do Government Grants to Private Charities Crowd Out Giving or Fund-Raising?", The American Economic Review, Vol. 93, No. 3, PP. 792-812.
- 9) Ashbaugh-Skaife, H., Collins, D., and Kinney, W. ,(2007), "The Discovery and Reporting of Internal Control Deficiencies Prior to SOX-Mandated Audits", Journal of Accounting and Economics, Vol. 44, Nos. 1-2, PP. 166-192.
- 10) Ashbaugh-Skaife, H., Collins, D., Kinney, W. and LaFond, R. ,(2008), "The Effect of SOX Internal Control Deficiencies and Their Remediation on Accrual Quality", The Accounting Review, Vol. 83, Vo. 1, PP. 217-50.
- 11) Beneish, M., Billings, M. and Hodder, L. ,(2008), "Internal Control Weaknesses and Information Uncertainty", The Accounting Review, Vol. 83, No. 3, PP. 665-703.
- 12) Bottiglieri, W., Kroleski, S. L. and Conway, K. ,(2011), "The Regulation of Non-Profit Organizations", Journal of Business & Economics Research, Vol. 9, No. 9, PP. 51-60.
- 13) Breland, J. F. ,(2008), "An Internal Control listing For Nonprofit Organizations, Available At: lri.lsc.gov.
- 14) Chambers, A. D., Selim, G. M. and Vinten, G. ,(1987), "Internal Auditing (2nd ed.)", Chicago, IL: Commerce Clearing House.
- 15) Chenhall, R. ,(2003), "Management Control Systems Design with in Its Organizational Context: Findings from Contingency-Based Research and Directions for The Future", Accounting, Organizations and Society, Vol. 28, Nos. 2-3, pp. 127-168.
- 16) Costello, A. M. and Wittenberg-Moerman, R. ,(2011), "The Impact of Financial Reporting Quality on Debt Contracting Evidence from Internal Control Weakness Reports", Journal of Accounting Research, Vol. 49, PP. 97-136.
- 17) Di Maggio, P. and Anheier, H. ,(1990), "The Sociology of Non-profit Organizations and Sectors", Annual Review of Sociology, Vol. 16 (1990), PP. 137-159.
- 18) Doyle, J., Ge, W. and McVay, S. ,(2007a), "Determinants of Weaknesses in Internal Control over Financial Reporting", Journal of Accounting and Economics, Vol. 44, Nos. 1-2, PP. 193-223.
- 19) Effah, A. ,(2011), "An Evaluation of Internal Financial Controls in Public Hospitals. A case study of Regional and Municipal Hospital", Sunyani and District Hospital, Bechem (Brong-Ahafo). A Dissertation Submitted to The Institute of Distance Learning, Kwame Nkrumah University of Science and Technology in Partial Fulfillment of The Requirements for The Degree of Commonwealth Executive Master of Business Administration (CEMBA). Institute of Distance Learning, KNUST. MAY 2011.

- 20) Fama, E. and Jensen, M. ,(1983), "Separation of Ownership and Control, The Journal of Law & Economics", Vol. 26, No. 2, PP. 301-325.
- 21) Ge, W. and McVay, S. ,(2005), "The Disclosure of Material Weaknesses in Internal Control after The Sarbanes- Oxley Act", Accounting Horizons, Vol. 19, No. 3, PP. 137-158.
- 22) Greenlee, J., Fischer, M., Gordon, T. and Keating, E. ,(2007), "An investigation of Fraud in Nonprofit Organizations: Occurrences and deterrents, Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly", Vol. 36, No. 4, PP. 676-694.
- 23) Greenlee, J.S. and Brown, K.L. ,(1999), "The Impact of Accounting Information on Contributions to Charitable Organizations", Research in Accounting Regulation, Vol. 13, PP. 111-125.
- 24) Hager, M., Pollak, T. and Wing, K. ,(2004), "Getting What We Pay for: Low Overhead Limits Nonprofit Effectiveness", Nonprofit Overhead Cost Project Brief, No. 3. Available at: <http://urban.org>.
- 25) Hoque, Z. and James, W. ,(2000),"Linking Balanced Scorecard Measures to Size and Market Factors: Impact on Organizational Performance", Journal of Management Accounting Research, Vol. 12, PP. 1-17.
- 26) Irvin, R. (2005). State regulation of nonprofit organizations: Accountability regardless of outcome, Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly, Vol. 34, No. 2, PP.161-178.
- 27) Jamail, L. (2010), "The Importance of Internal Controls for Nonprofit Organizations", April, 2010, Available ,At: <http://www.txnp.org>.
- 28) Jokipii, A. ,(2009), "Determinants and Consequences of Internal Control in Firms: a Contingency Theory Based Analysis", Journal of Management and Governance, ISSN 1385-3457 (Print) 1572-963X (Online), PP. 1-30.
- 29) Keating, E., Fischer, M., Gordon, T. and Greenlee. J. ,(2005), "The Single Audit Act: How Compliant are Nonprofit Organizations?", Accounting and Financial Management, Vol. 17, No. 3, PP. 285-309.
- 30) Khanna, J. and Sandler, T. ,(2000), "Partners in giving: The Crowding-in Effects of UK Government Grants, European Economic Review", Vol. 44, No. 8, PP. 1543-1556.
- 31) Kitching, K. ,(2009), "Audit Value and Charitable organizations, Journal of Accounting and Public Policy, Vol. 28, No. 6, PP. 510-524.
- 32) Miller, D. and Droge, C. ,(1986),"Psychological and Traditional Determinants of Structure, Administrative Science Quarterly", Vol. 31, PP. 539-560.
- 33) Mulligan, L. ,(2007), "What's Good for The Goose is not Good for The Gander: Sarbanes-Oxley-Style Nonprofit Reforms", Michigan Law Review, Vol. 105, No. 8, PP. 1981-2009.
- 34) Ogneva, M., Subramanyam, K. and Raghunandan, K. ,(2007), "Internal Control Weakness and Cost of Equity: Evidence from SOX Section 404 Disclosures", The Accounting Review, Vol. 82, No. 5, PP. 1255-97.
- 35) Okten, C. and Weisbrod, B. ,(2000), "Determinants of Donations in Private Nonprofit Markets", Journal of Public Economics, Vol. 75, No. 2, PP. 255-272.
- 36) Petrovits, C., Shakepeare, C. and Shih, A. ,(2011), "The Causes and Consequences of Internal Control Problems in Nonprofit Organizations", Journal of The Accounting Review, Vol. 86, No. 1, PP. 325-357.
- 37) Posnett, J. and Sandler, T. ,(1989), Demand for Charity Donations in Private Non-profit Markets, Journal of Public Economics, Vol. 40, PP. 187-200.
- 38) Spira, L. and Page, M. ,(2003), "Risk Management: The Reinvention of Internal Control and The Changing Role of Internal Audit", Accounting, Auditing and Accountability Journal, Vol. 16, No. 4, PP. 640-661.
- 39) Strom, S. and Robertson, C. ,(2005), "As Its Coffers Swell, Red Cross is Criticized on Gulf Coast Response", New York Times Newspaper, 20 Sept 2005, Available at: <http://www.nytimes.com>.

- 40) Tinkelman, D. ,(2004), "Using Nonprofit Organization-Level Financial Data to Infer Managers' Fund-Raising Strategies", *Journal of Public Economics*, Vol. 88, No. 9/10, PP. 2181-2192.
- 41) Tinkelman, D. and Mankaney, K. ,(2007), "When is Administrative Efficiency Associated with Charitable Donations?", *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, Vol. 36, PP. 41- 64.
- 42) Weisbrod, B. and Dominguez, N. ,(1986), "Demand for Collective Goods in Private Nonprofit Markets: Can Fundraising Expenditures Help Overcome Free-Rider Behavior?", *Journal of Public Economics*, Vol. 30, No. 1, PP. 83-95.
- 43) Wing, K., Pollak, T. and Blackwood, A. ,(2008), "The Nonprofit Almanac. Washington", D.C.: Urban Institute Press.
- 44) Yetman, M. H. ,(2009), "Economic Consequences of Expense Misreporting in Nonprofit Organizations", Working Paper. University of California – Davis, presented at 2009 AAA meeting

#### یادداشت‌ها

1. Wing
2. Red Cross
3. United Way
4. New York Times
5. Strom and Robertson
6. Katrina Hurricane
7. William Aramony
8. Ralph Dickerson Jr.
9. Bottiglieri
10. Chenhall
11. Miller and Droge
12. Chambers
13. Hoque and James
14. Spira and Page
15. Jokipii
16. Irvin
17. Mulligan
18. Jamail
19. Di Maggio and Anheier
20. Hager
21. Effah
22. Abdulkadir
23. Ge and McVay
24. Doyle
25. Ashbaugh-Skaife
26. Keating
27. Kitching
28. Greenlee
29. Petrovits
30. Beneish
31. Costello and Wittenberg-Moerman
32. Ogneva
33. Fama and Jensen
34. Weisbrod and Dominguez
35. Posnett and Sandler
36. Greenlee and Brown

- <sup>37</sup>. Tinkelman
- <sup>38</sup>. Tinkelman and Mankaney
- <sup>39</sup>. Yetman
- <sup>40</sup>. Khanna and Sandler
- <sup>41</sup>. Okten and Weisbrod
- <sup>42</sup>. Program service revenue
- <sup>43</sup>. Andreoni and Payne
- <sup>44</sup>. New Grantee





## اثر تصمیمات تامین مالی مدیریت بر جریانهای نقدی

قدرت‌اله طالب نیا<sup>۱</sup>

مهدی دسینه<sup>۲</sup>

فاطمه مریدی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۲۹

### چکیده

تصمیمات مختلف مدیریت از جمله تصمیمات تامین مالی، روی عملکرد آتی شرکت تاثیرگذار است. لیکن معیارهای تعهدی قابل دستکاری بوده و معیارهای نقدی واجد عینیت بیشتری هستند. بنابراین تحقیق حاضر به بررسی اثر تصمیمات تامین مالی مدیریت بر جریانهای نقدی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. در این تحقیق، داده‌های مربوط به ۱۳۷ شرکت منتخب در بورس اوراق بهادار تهران مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته‌اند. نسبت‌های مختلف بدهی به عنوان شاخص تصمیمات تامین مالی (ساختار سرمایه) و طبقات پنج گانه صورت جریان وجه نقد، با رویکردی متفاوت از سایر تحقیقات مشابه (سه طبقه‌ای)، به عنوان شاخص جریانهای نقدی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. فرضیات با استفاده از آزمون‌های رگرسیونی چندگانه مورد آزمون قرار گرفت. بر مبنای نمونه انتخابی، ارتباط معناداری میان متغیرهای تصمیمات تامین مالی مدیریت و جریانهای نقدی سال بعد مشاهده گردید.

**واژه‌های کلیدی:** تصمیمات تامین مالی مدیریت، جریانهای نقدی، ساختار سرمایه.

۱- دانشیار، گروه آموزشی حسابداری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- مربی، گروه آموزشی حسابداری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران، نویسنده اصلی و مسئول مکاتبات.  
Md.acc.un@gmail.com

۳- مربی، گروه آموزشی حسابداری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

## ۱- مقدمه

شرکتها برای سرمایه گذاری به منابع مالی احتیاج دارند، اما منابع سرمایه و استفاده از آنها باید به خوبی تعیین شود تا شرکت بتواند سودآور بوده و با مشکلات نقدینگی مواجه نشود. و این وظیفه یک مدیر مالی است که منابع تامین مالی و نحوه استفاده از آنها را تعیین کند. تصمیمات تامین مالی و ترکیب بهینه ساختار سرمایه و همچنین ایجاد جریانهای نقدی، استفاده ی مطلوب از منابع مالی بدست آمده و توان بازپرداخت بدهی از جمله مسائلی است که برای تصمیم گیری مدیریت حائز اهمیت می باشد. از جمله ابزارهایی که مدیریت را در این امر یاری می نماید، صورت جریان وجوه نقد است که توانایی شرکت در ایجاد جریانهای نقدی، توانایی برای پرداختن تعهدات و همچنین نیاز شرکت برای تامین مالی را نشان می دهد.

گروه گسترده ای از استفاده کنندگان جهت تصمیم گیری های سرمایه گذاری، تامین مالی، مدیریتی و... نیازمند پیش بینی وجوه نقد موسسه می باشند. عده ای که خواستار رابطه کوتاه مدت با موسسه می باشند؛ کلیت ایجاد وجوه نقد را مدنظر قرار می دهند. و کسانی که به رابطه بلندمدت با موسسه فکر می کنند؛ نشانه های مثبت مانند وجوه نقد مصرفی در فعالیت های سرمایه گذاری و ایجاد وجوه نقد در روال عادی موسسه بر تصمیماتشان تاثیرگذار خواهد بود.

یکی از اهداف گزارشگری حسابداری مالی، ارائه اطلاعات به استفاده کنندگان از صورتهای مالی جهت ارزیابی هزینه، زمان و ابهام پیرامون جریانهای نقدی آتی است. به نظر می رسد که اطلاعات مرتبط با جریانهای نقدی اطلاعات مربوط تری جهت ارزیابی جریانهای نقدی آتی فراهم می آورد. از طرفی، روشهای تامین مالی به عنوان ابزار تعیین کننده منابع مالی بالقوه و ساختار سرمایه بهینه یکی از عوامل اصلی در توسعه آتی شرکتها می باشد. تصمیمات تامین مالی مدیریت در تعیین نوع منابع مالی مناسب نقش به سزایی دارد. بنابراین روش های تامین مالی مختلف و اثراتشان بر جریانهای نقدی شرکتها باید شناسایی و تعیین گردند.

نوع صنعت، استراتژیهای سازمانی، ضرورتهای اقتصادی، رقابت، متغیرهای کلان اقتصادی (همچون نرخ بهره، تورم) و شاخصهای مالی (همچون شیوه های تامین مالی، ریسک تجاری، ریسک مالی، ریسک اعتباری، ریسک سیاسی و...) از جمله مهمترین عواملی هستند که مدیران شرکتها را در اتخاذ تصمیمات سرمایه گذاری پیرامون تخصیص منابع بین انواع داراییها و در نتیجه نوع جریانهای نقدی یاری می رسانند. در این تحقیق، ضمن آگاهی از وجود عوامل گوناگون تلاش شده تاثیر شیوه های تامین مالی به عنوان یک عامل مجزا از سایر عوامل، بر ساختار و ترکیب جریانهای نقدی شرکتها مورد کنکاش قرار گیرد.

## ۲- مبانی نظری تحقیق

مهم ترین هدف از سیاست های تعیین ساختار سرمایه، مشخص کردن ترکیب منابع مالی به منظور به حداکثر رساندن ثروت سهامداران است، گرچه این امر به عوامل متعددی بستگی دارد که ساختار سرمایه یکی از آنهاست. به عنوان مثال اگر یک شرکت، اوراق قرضه بیشتری منتشر نماید، نقطه سربه سر مالی و درجه

اهرم مالی آن افزایش می‌یابد. اگر نرخ بازده بیشتر از نرخ بهره باشد، سود هر سهم به شدت افزایش خواهد یافت (اثر اهرم مالی). سیاست‌های تعیین ساختار سرمایه به مدیران مالی کمک می‌کند تا در مورد هر یک از برنامه‌های تأمین مالی مورد نظر، مبلغ سود قبل از بهره و مالیات لازم را برای جلوگیری از کاهش سود هر سهم تعیین کنند. همچنین، با محاسبه ریسک مالی متعلق به هر یک از برنامه‌های تأمین مالی می‌توان روشی را انتخاب کرد که به مطلوبترین ترکیب ریسک و بازده منجر شود (نعیم پور، ۱۳۹۱: ۱۴۵).

بسیاری از بررسی‌های مالی مستلزم فرض بازار کامل اند. در صورت کامل بودن بازار، قراردادهای فاقد هزینه خواهند بود و این بدان معناست که در صورت تخصیص مجدد ایجادکننده ارزش، بدون هیچگونه هزینه‌ای می‌توان به این منابع دسترسی داشت. در چنین بازاری، یک شرکت در هر نقطه‌ای از دنیا قادر است سرمایه عرضه شده توسط ارائه دهندگان منابع را دریافت دارد و در اینصورت ارزش شرکت از دیدگاه ارائه دهندگان سرمایه برابر است با ارزش فعلی جریانهای نقدی شرکت که به آنان پرداخت می‌شود. در شرایط وجود بازار کامل کلیه سرمایه‌گذاران، یک پروژه خاص را به نحوی مشابه ارزیابی می‌نمایند و هزینه سرمایه در کشورهای مختلف یکسان می‌باشد.

در بازار کامل، یک شرکت می‌تواند پروژه ارزشمند خود را به سادگی تأمین مالی نماید. لیکن در عمل به دو دلیل اصلی فرض وجود بازار کامل نقض می‌گردد. اول اینکه سرمایه‌گذاران قادر به مشاهده کلیه فعالیتهای انجام شده توسط مدیران نیستند و دوم اینکه مدیران دارای اطلاعاتی هستند که سرمایه‌گذاران از دسترسی به آنها محرومند. آروو<sup>۱</sup> دلیل یا مساله اول را مسئله فعالیتهای پنهان<sup>۲</sup> و دلیل یا مسئله دوم را مسئله اطلاعات پنهان نامیده است<sup>۳</sup>. که این مسائل خود مشکل نمایندگی بین مدیران و سرمایه‌گذاران را ایجاد می‌نماید (احدی سرکانی، ۱۳۸۵: ۷۸).

محصول نهایی حسابداری و گزارشگری مالی، صورت‌های مالی اساسی است. در میان صورت‌های مالی، صورت جریان وجوه نقد به دلیل پرهیز از جهت‌گیری‌های ذاتی و عمومی موجود در اقلام ترازنامه و صورت سود و زیان که بر مبنای تعهدی اندازه‌گیری می‌شوند، نسبت به سایر صورتهای مالی ارجحیت دارد. علاوه بر آن زمانی که بحث تجزیه و تحلیل نقدینگی مطرح می‌شود، اطلاعات صورت جریان وجوه نقد به مراتب قابل اتکاتر از اطلاعات ترازنامه است، زیرا داده‌های ترازنامه وضعیت بنگاه اقتصادی را در یک مقطع زمانی اندازه‌گیری می‌کند، در حالی که صورت جریان وجوه نقد تغییرات در سایر صورت‌های مالی را گزارش می‌کند و اصولاً تخصیص‌های اختیاری را می‌زداید.

هدف اصلی از تهیه صورت جریان وجوه نقد، ارائه اطلاعات مربوط به دریافتها و پرداختهای نقدی در طی یک دوره زمانی است. اطلاعات ارائه شده در صورت جریان وجوه نقد اگر با اطلاعات منتشره در سایر صورتهای مالی مورد استفاده قرار گیرد، می‌تواند به سرمایه‌گذاران، بستانکاران و سایر استفاده‌کنندگان در ارزیابی توانایی واحد تجاری جهت ایجاد جریانهای نقدی آتی، توانایی پرداخت تعهداتشان، توانایی پرداخت سود سهام و نیازهای آنان برای تأمین مالی شرکتها کمک نماید. برخلاف بیانیه شماره ۹۵ هیات استانداردهای حسابداری مالی که تهیه صورت جریان وجوه نقد<sup>۳</sup> طبقه‌ای را پیشنهاد می‌نماید (فعالیهای

عملیاتی، فعالیتهای سرمایه گذاری، فعالیتهای تامین مالی)، بیانیه شماره ۲ استانداردهای حسابداری ایران، تهیه صورت جریان وجوه نقد ۵ طبقه ای را پیشنهاد می نماید. (فعالیتهای عملیاتی، بازده سرمایه گذاری و کارمزد تامین مالی، مالیات بر درآمد، فعالیتهای سرمایه گذاری، فعالیتهای تامین مالی). در این مقاله نیز ارتباط شاخصهای ساختار سرمایه با مدل ۵ بخشی صورت جریان وجوه نقد مورد بررسی قرار گرفته است. محیطی که شرکتهای ما اکنون در آن فعالیت می کنند محیطی در حال رشد و بسیار رقابتی است، و شرکتهای برای ادامه حیات مجبور به رقابت با عوامل متعددی در سطح ملی و بین المللی و بسط فعالیتهای جدید می باشند. در این راستا نیازمند انتشار اوراق بهادار و منابع مالی جدید هستند. در نظریات نوین مالی، وظایف یک مدیر مالی در یک واحد تجاری تصمیمات مربوط به سرمایه گذاری، تامین مالی و تصمیمات تقسیم سود می باشد. هدف مدیر مالی از اتخاذ چنین تصمیماتی حداکثر کردن ارزش شرکت و همچنین ایجاد جریانهای نقدی مثبت آتی است. بنابراین یک شرکت در راستای به حداکثر رساندن ارزش شرکت باید تعیین کند که از چه منابعی تامین مالی نموده و کجاها سرمایه گذاری انجام دهد. در واقع سرمایه گذاری یک عامل حیاتی در توسعه اقتصادی هر شرکتی محسوب می شود. منابع هر سرمایه گذاری بوسیله انتشار اوراق بدهی یا اوراق سرمایه ای فراهم شده و همچنین با استفاده از بدهی در ساختار سرمایه مفهوم اهرم مالی تداعی می شود. اهرم مالی یکی از مهمترین مفاهیم در حوزه مالی بوده و دارای اهمیت و موقعیت خاصی در ساختار سرمایه شرکتهای محسوب می گردد. شرکت بدون هیچ گونه بدهی یک شرکت کاملاً سرمایه ای است. در عالم واقع این گونه شرکتهای کم یافت می شوند. اگرچه انتشار اوراق سهام و اوراق بدهی هر کدام دارای مزایا و معایبی برای شرکتهای هستند. در حوزه مدیریت مالی، استفاده از تکنیکهای روشها و مدل های علمی، عموماً در جهت کمک به اتخاذ تصمیمات معقول در حیطه امور مالی شرکتهای و سایر زمینه ها، به شدت رواج پیدا کرده و در این رابطه روشهای مختلف در زمینه تامین مالی، چگونگی سرمایه گذاری و بکارگیری وجوه، سیاست تقسیم سود، برنامه ریزی مالی و نقدینگی شرکت، ایجاد جریانهای نقدی و پیش بینی اثرات تامین مالی در هر یک از موارد ذکر شده ابداع شده است. علل ورود و خروج وجوه نقد در واقع انعکاس تصمیم گیریهای مدیریت در برنامه ریزی های کوتاه مدت و بلندمدت عملیاتی، طرح های سرمایه گذاری و نحوه تامین مالی است. در واقع سرمایه گذاران، اعتباردهندگان، فروشندهگان و کارکنان، جریان نقدی را به عنوان منبع تامین مطالبات خود از جهت پرداخت سود سهام، بازپرداخت تعهدات مالی، خدمات ارایه شده، حقوق و دستمزد در نظر می گیرند. بدین ترتیب افراد مذکور علاقه مند به آگاهی از توانایی واحد تجاری در ایجاد جریانهای نقدی مثبت هستند، از طرف دیگر برای استفاده کنندگان مهم است که بدانند نحوه تامین مالی چه اثری بر نقدینگی و جریانهای نقدی خواهد داشت. بنابراین تحلیل مالی، سرمایه گذاران را در تصمیم گیری و پیش بینی عملکرد آتی واحد تجاری کمک بسزایی می نماید و درباره شرایط مالی آن اطلاعاتی با ارزشی را در اختیار سرمایه گذار و تامین کننده منابع مالی قرار می دهد. به همین منظور جهت مشخص نمودن جریان نقد تحصیل یا مصرف شده در واحد تجاری، صورت جریان وجوه نقد توسط نهادهای تدوین

کننده استانداردهای حسابداری، تحلیلگران مالی و حسابداران رسمی، به عنوان یکی از صورت مالی اساسی شناخته شده است (لشکری، ۱۳۸۸: ۴۳).

با توجه به تئوری علامت دهی<sup>۴</sup> مدیران شرکت‌ها که به اطلاعات دست اول دسترسی دارند؛ سعی می‌کنند از طریق ارقام مالی نشانه‌هایی از عملکرد اتی شرکت‌ها در اختیار استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی قرار دهند. این علامت دهی می‌تواند از طریق رابطه بین اهرم و جریان‌های نقدی صورت پذیرد. از طرف دیگر مطابق با تئوری سلسله مراتبی<sup>۵</sup>، به دلیل ریسک بالای اهرم، استفاده از آن به آخرین مرحله و در صورت عدم امکان استفاده از سایر روش‌های تامین مالی موکول می‌گردد. این امر موید اثر معکوس جریان‌های نقدی بر اهرم است. (وهیودی<sup>۶</sup>، ۲۰۱۱)

بنابراین این تحقیق به دنبال یافتن اثرات تصمیمات تامین مالی مدیریت بر جریان‌های نقدی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در واقع رفع ابهام پیرامون این موضوع کانون توجهات این تحقیق را تشکیل می‌دهد.

### ۳- پیشینه تحقیق

جمالی (۱۳۸۲) در تحقیقی به این نتیجه رسید که در شرکت‌های صنایع غذایی بورس اوراق بهادار تهران با افزایش اهرم مالی، جریان‌های نقدی عملیاتی و تامین مالی نیز افزایش یافته اما بین افزایش اهرم و جریان‌های نقدی سرمایه‌گذاری ارتباطی مشاهده نگردید.

تحقیق دیگری توسط لطفی (۱۳۸۳) تحت عنوان "بررسی تاثیر ساختار مالی بر هزینه سرمایه و قیمت سهام در شرکت‌های خودرو و سیمان پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار طی سالهای ۸۱-۷۴" صورت گرفته که نتایج آن حاکی از ارتباط مستقیم بین نسبت بدهی در ساختار مالی با قیمت بازار سهام و ارزش بازار شرکت و همچنین ارتباط معکوس بین هزینه سرمایه و نسبت بدهی می‌باشد.

تحقیقی توسط لشکری و همکاران (۱۳۸۸) درباره ارتباط بین جریان‌های نقدی (مدل سه طبقه ای) و نسبت‌های بدهی طی دوره زمانی ۸۲ تا ۸۶ انجام شده است که نتایج این تحقیق حاکی از وجود ارتباط مثبت معنی دار بین نسبت بدهی بلندمدت به حقوق صاحبان سهام با اجزای مدل سه بخشی صورت جریان‌های نقدی دارد.

رهنمای رودپشتی و همکاران (۱۳۸۸) در بررسی ارتباط بین وجوه نقد ناشی از فعالیتهای تامین مالی و بازده سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به این نتیجه رسیده‌اند که بین وجوه نقد ناشی از فعالیتهای تامین مالی و بازده سهام رابطه معنی داری وجود ندارد.

آقایی و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیقی تحت عنوان "بررسی تاثیر تکانه‌های جریان وجوه نقد عملیاتی بر ساختار دارایی و سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" بر اساس یک نمونه متشکل از ۳۰۶ سال-شرکت، از میان شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۸۶ تا ۸۸ به این نتیجه رسیدند که بین تغییرات وجوه نقد عملیاتی (ناشی از تکانه‌های جریان وجوه نقد) و

تغییرات ساختار دارایی و سرمایه شرکت ها رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش مذکور حاکی از آن است که شرکت ها در کوتاه مدت به افزایش پس انداز ( افزایش در وجوه نقد نگهداری شده) و کاهش تامین مالی خارجی (کاهش استقراض یا فروش سهام سرمایه مالکانه) و در بلندمدت به افزایش سرمایه گذاری منطقی و تامین مالی خارجی مبادرت می ورزند.

نصیرزاده و رستمی (۱۳۹۱) به بررسی رابطه بین شاخص های نقدینگی نوین و مبتنی بر صورت جریان با سودآوری شرکت ها پرداخته اند. نتایج موید همبستگی بین نسبت های نقدینگی نوین و مبتنی بر جریان نقد علی رغم محتوای اطلاعاتی متفاوت آنهاست. به علاوه بین شاخص های نقدینگی و سودآوری نیز رابطه معناداری مشاهده شده است.

مارتانی<sup>۷</sup> (۲۰۰۹) در تحقیقی مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری در جریانهای نقدی و بازده سهام را مورد بررسی قرار داد. در این تحقیق از شاخص های سودآوری، نقدینگی، اهرم مالی، اندازه و جریانهای نقدی شرکت به عنوان متغیرهای اطلاعات حسابداری و بازده نرمال تجمعی و بازده تعدیل شده بازار به عنوان متغیرهای تحقیق بازده سهام استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق مذکور شرکتهای تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار اندونزی طی سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ بوده اند. نتایج این تحقیق حاکی از تاثیر اندازه شرکت، جریانهای نقدی عملیاتی و نسبتهای مالی بر بازده نرمال تجمعی و بازده تعدیل شده بازار می باشد.

هوانگ و سانگ<sup>۸</sup> (۲۰۰۹) در تحقیقی تحت عنوان مالکیت شرکتهای، ویژگی های ریسک و ساختار سرمایه در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار چین به این نتیجه رسیدند که اهرم مالی با اندازه شرکت و دارایی های ثابت، رابطه مستقیم و با سودآوری، منافع مالیاتی بدهی، فرصت های رشد و نگهداری سهام توسط مدیران، رابطه منفی دارد. ضمناً اهرم مالی به نوع صنعت نیز بستگی دارد. شرکت های چینی اثرات مالیاتی را بیشتر در تامین مالی بلندمدت مدنظر قرار میدهند، درحالیکه در سایر کشورها تمایل بسیار کمی به تامین مالی بلندمدت دارند.

گوردون ولی<sup>۹</sup> (۲۰۱۰)، در تحقیق خود تحت عنوان اثر مالیات بر رویه های تامین مالی از طریق بدهی شرکتهای آمریکایی نشان دادند که مالیات رابطه قوی ومعنی داری با سطح بدهی شرکت دارد، به ویژه تفاوت نرخ مالیاتی شرکت های بزرگ و نرخ مالیاتی شرکت های کوچک ۳۴ درصد در برابر ۱۵ درصد باعث می شود که شرکت های بزرگ دارای نرخ مالیات بیشتر نسبت به شرکت های کوچک دارای نرخ مالیات کمتر، برای تأمین مالی خود از ابزار ایجادبدهی بیشتر استفاده کنند.

ویودی (۲۰۱۱) به تحلیل اثر جریانهای نقدی بر اهرم و رابطه اش با عملکرد آتی شرکت های اندونزی پرداخته است. نتایج موید این است که ورود همزمان اهرم و وجه نقد به مدل به رابطه منفی یعنی تایید تئوری سلسله مراتبی می انجامد. درمقابل با اعمال یک وقفه زمانی یکساله این رابطه مثبت شده و با تئوری علامت دهی همخوانی خواهد داشت.